

قیام امام ایران

ز نظر شورای نویسندگان

حسینی مشکان

درخت اعدام!

مجازات اعدام مبارزه می‌کشد و متأسفانه بیست‌سال قبل از آن که قانون انقاص مجازات اعدام در فرانسه تصویب شود اودرادنا توموبیل کشته شد و اجل مهلتش نداد تا تحقق آرزوی خود را مشاهده کند. در حال، رساله کامو با خاطری از دوران اقامت خانوادهاش در الجزایر آغاز می‌شود.

"آلبیر کامو" نویسنده شهیر فرانسه، رساله‌یی نوشته است با عنوان "تفکر درباره مجازات اعدام".

"کامو" از متفکرانی بود که برای انقاص مجازات اعدام...

غرب و تروریسم ایت‌الله

به دعوت نهضت مقاومت ملی ایران شاخه انگلستان - مقارن با تشکیل کنفرانس سالانه حزب محافظه کار یک جلسه اختصاصی با شرکت عده‌ای از نمایندگان آن حزب و گروهی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران روز هشتم اکتبر در شهر "بورتسموت" تشکیل گردید. ریاست جلسه را آقای تمیل موریس - نماینده حزب محافظه کار در مجلس عوام انگلستان به عهده داشت، تا مبرده ضمن بیان نا تاجامع و جالبی گفت:

"سالهاست که من به عنوان یک دوست ایران با مسائل ایران آشنا هستم و از فعالیت‌های نهضت مقاومت ملی ایران آگاهم. فقدان آزادی و اعمال شکنجه و کشتارهای بی‌رویه در رژیم فعلی همچنان ادامه دارد و جمهوری اسلامی با همکاری لیبی و سوریه مرکز تروریسم بین‌المللی بشمار می‌رود.

وی سپس به موضوع صدور اسلحه به ایران پرداخت و گفت "اکنون کاملاً مشهود گردیده است که خانه شماره ۴ در خیابان ویکتوریا مرکز مالت و صدور اسلحه‌های مختلف به ایران است که طبق اخبار منتشره قسمتی از آن از انگلستان و بقیه ز کشورهای غربی دیگر صورت

بلیس ایران اعلام کرده است که در شش ماه گذشته ۱۷۰۰۰ قاچاقچی با زداشته شده اند و ۱۴ تن مواد مخدر کشف گردیده است. این برای پلیس دستاورد مهمی است. با این همه تعداد افراد با زداشته شده و مقدار مواد مخدر کشف شده نمی‌تواند نگران کننده نباشد. زیرا همه قراکن حکایت از آن دارد که ۱۴ هزار کیلوگرم ماده مخدری که کشف گردیده است، فقط نوک کوه یخی است که در اقیانوس شناور است. به اصطلاح خودمان، سرگنده زیرلحا فاست. شما قراچا قچیا نی که

می‌نویسد: "اندکی قبل از جنگ ۱۹۱۴ یک آدمکش که جنایت همیشه‌جا مع را برانداخته بود به اعدام محکوم شد. او یک کارگر مزرعه بود که خانوادهاش را در کمال قساوت قتل عام کرده بود. مردم همگی عقیده داشتند اعدام کمترین مجازاتی است که می‌توان در حق این جانی سنگدل بکار بست. پدر من نیز همین طور فکری کرد و بخصوص، کشتار بی‌جهت او را چنان منقلب کرده بود که برای اولین بار تصمیم گرفت در مراسم اعدام شرکت کند. روز موعود، با مدادان خود را به محل اجرای مراسم رسانید. جنایتکار را در حضور جمعیتی انبوه گردن زدند.

بقیه در صفحه ۱۲

مهران طبری

جبهه‌های اعتیاد

با زداشته نمی‌شوند و میزان مواد مخدری که کشف نمی‌گردد، بسیار آزار آمیزی است که پلیس منتشر کرده است. نا مناسه هولناک اعتبار از همین جا می‌توان دریافت. اما پلیس را به هیچ روی نمی‌توان سرزنش کرد. با زداشته تبهکاران و کشف مواد مخدر در واقع یک پییکار اداری علیه این بلیه بزرگ اجتماعی بشمار می‌آید. حال آنکه برای ممیبت اجتماعی با پیدراه حل اجتماعی پیدا کرد. راه حل اداری فقط می‌تواند یک عامل کجکی باشد.

بقیه در صفحه ۱۰

اطلاعیه هیئت اجرائیه نهضت مقاومت ملی ایران

بدینوسیله به اطلاع هموطنان ارجمند میرساند: هر مطلبی مربوط به نهضت مقاومت ملی در روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌های فارسی زبان خارج از کشور منتشر و یا بخش گردد که صریحاً از جانب آقای دکترنا پوربختیار رهبر نهضت با هیئت اجرائیه نهضت اظهار نشده باشد، ارتباطی با نهضت مقاومت ملی ایران ندارد.

ایران هرگز نخواهد مرد. هیئت اجرائیه نهضت مقاومت ملی ایران

هادی بهراد

یک مسابقه اعلام نشده

فوق العاده استثنائی مانند هر ارثیه‌ای از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و خلاصه در عمل، انتخاب عالمانه‌ای در کار نیست... این کردارها و گفتارها و برداشته‌های متولیان روحانی و طبعاً با زتاب و اثر آن‌ها بر توده‌های مقلسد است که معیار رفتار و تفریبات می‌گردد. برای مثال، جدا از شاخه‌ها و ورشته‌های متنوع دیانت اسلام آنچه را که امروز خمینی با سمت "امام شیعیسان" در زمینه‌های فقه‌ای و احکام قرآنی و حتی شیوه‌های رفتاری و "مذهب سیاسی" تبلیغ می‌کند، بنام کل "مکتب اسلام" رقم می‌خورد و آن چه را که پاپ پیشوای "کاتولیک‌های جهان" تعلیم می‌دهد، در کارنامه‌های مسیحیت منعکس می‌شود.

بقیه در صفحه ۲

حوادث سیاسی و تشنجات بین‌المللی و مخصوصاً "اوج کشتار و خشونت خسواه ناخواه"، پای دوشا خدا ز نیرومندترین ادیان جهان (مسیحیت و اسلام) را، به میدان مسابقه‌ای اعلام نشده گذاشته است. گوا اینکه گروهی از مؤمنان مسیحیت و ما حبان فتوا و مجتهدین در دنیای اسلامی ادعا می‌کنند "رض ما رضی" که امروز همراهِ با نفی هرگونه مسدا را و اصل (لاکراهی‌الدین) وزیر عنوان ما یه و کارنامه‌ی اسلام معرفی می‌شود، عاریتی و مجبول و منافع برتعالیم "قرآن" است ولی از آن جا که: کنگاش در فلسفه و تاریخ و حتی اصول مذاهب، غالباً از حوزه‌ی توجه نوده‌های مردم بیرون است و بدینش هر مذهب مفروض (البته پس از گذشت دوره‌های ظهور و باگیری) - به جز مسوا -

قطعه‌نامه هفتم

است که خمینی می‌خواهد جنگ را، به هر قیمتی که شده، ببرد، و تلاش بی‌حاصل دوم این است که مراجع کونساگون بین‌المللی می‌خواهند میانجی‌گری کنند بلکه این جنگ از راه مذاکره پایان پذیرد. در واقع بی‌حاصل بودن تلاش دوم، یعنی میانجی‌گری، نتیجه همان تلاش بی‌حاصل اول، یعنی سماجت خمینی در ادامه جنگ، به هر قیمت است. شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از چهار روز مذاکره رای‌ی بر این داد که جنگ خلیج فارس یکی از بزرگترین جنگ‌های نیمه دوم قرن بیستم، باید هر چه زودتر پایان گیرد، و طرف بیسه پشت مرزهای بین‌المللی بازگردند و مذاکرات برای دستیابی به صلح آغاز شود. نماینده جمهوری اسلامی "املا" در مذاکرات چهار روزه شورای امنیت حضور نیافت. به عبارت دیگر نتیجه مذاکرات را، پیش از آن که اعلام شود رد کرد.

بقیه در صفحه ۳

دی ولت:

بختیار رهبر و امید بخش

داستانی از شاهنامه

یازده رخ یا دوازده رخ؟

در صفحه ۶

در منطقه خلیج فارس، شش سالی است که دو تلاش بی‌حاصل در کنار یکدیگر ادامه دارد: تلاش بی‌حاصل نخست این

اجلاس شورای نهضت مقاومت ملی ایران

اجلاس عادی شورای نهضت مقاومت ملی ایران ساعت ده روز ۱۹ مهرماه ۱۳۶۵ برابر با ۱۱ اکتبر ۱۹۸۶، در حضور دکترنا پوربختیار، رهبر نهضت، تشکیل شد. در آغاز جلسه گزارشی از فعالیت‌های بین‌المللی نهضت به اطلاع اعضاء شورا رسید و سپس مسائل سیاسی روز و مساله آدامه جنگ مورد بررسی قرار گرفت. آنگاه مسئولان واحدهای اجرایی، گزارش فعالیت‌های خود را به شورا دادند و از طرف رهبر نهضت برگسترش فعالیت‌های نهضت، بخصوص در داخل کشور، تائید شد. جلسه تا ساعت بیست و یک دقیقه ادامه یافت.

انهدام تأسیسات نفتی کرکوک؟

به گزارش خبرنگاری‌ها، بغداد دشنه شب (۱۱ اکتبر) انهدام تاسسات نفتی کرکوک را به دست نیروهای جمهوری اسلامی تکذیب کرد.

لطیف نمینفادال جاسم، وزیر اطلاعات عراق در گفت‌وگویی با خبرنگاری رسمی عراق اظهار داشت که تاسسات نفتی ما در کرکوک اندک آسیبی ندیده‌اند و نیروهای جمهوری اسلامی هرگز صد و پنجاه کیلومتر در خاک عراق نفوذ نکرده‌اند و بنا بر این، نتوانستند تاسسات نفتی کرکوک را تخریب کنند.

بقیه در صفحه ۷

قطعه‌نامه هفتم

بقیه از صفحه ۱

این برای نخستین بار نیست که شورای امنیت سازمان ملل متحد راهی به پایان جنگ می‌دهد، همچنان که برای نخستین بار نیست که جمهوری اسلامی به راهی این مرجع جهانی که خود عضو آن است گردن نمی‌نهد.

جمهوری اسلامی هنوز تکلیف خود را بسازمان ملل متحد روشن نکرده است؛ از یک سو آن را مرجعی می‌نامد که آلت بی‌اراده دست‌اندرت‌هاست، از سوی دیگر خود در آن یک نماینده دائمی دارد و حتی یک بازو از زبان آنستای فخرالدین حاجی نماینده مجلس شورای اسلامی از کشورهای عضو است که متراپین سازمان را از نیویورک به جماران منتقل کنند.

چنین می‌نماید که جمهوری اسلامی و سازمان ملل متحد هیچ کدام یکدیگر را به اندازه کافی جدی نمی‌گیرند. ولی جمهوری اسلامی به توصیه‌های آن سازمان‌هایی که آن‌ها را جدی‌تر می‌گیرد، مانند کنفرانس غیرمتعهدها یا کنفرانس اسلامی نیز اعتنای چندانی نکرده است.

آیت‌الله خمینی فقط آن تصمیم‌هایی را قبول دارد که خواست‌های خودش مطابق داشته باشد. او سر آن ندارد که به تصمیم‌های یک مرجع بین‌المللی گردن گذارد، می‌خواهد مراجع بین‌المللی تصمیم‌های او را بپذیرند.

سازمان ملل متحد، نه کنفرانس اسلامی، نه سازمان کشورهای غیرمتعهد، نه یک کمیسیون ویژه مرکب از نمایندگان چند کشور بیطرف، نه بی‌کدام مرجع بین‌المللی بایده‌درا ره جنگ و ادعاهای دوطرف حکمیت کند؟ مسئله یک میلیون کشته و معلول، دو بیست تا سیصد میلیون دلار خسارت در میان است - این جز در یک حکمیت بین‌المللی قابل رسیدگی نیست. و سازمان ملل متحد را این رهگذر بهترین است. ولی در حالی که صلح، دوطرف می‌خواهد، برای جنگ فقط یک طرف کافی است، و درست به همین دلیل است که جنگ وارد هفتمین سال خود شده است و نشان‌های به چشم نمی‌خورد که هیچ قدرت خارجی، بیش از آن که تاکنون مایه گذاشته است، برای پایان دادن به جنگ مایه بگذارد.

سیاستمداران ایالات متحده در دره‌های گوناگون گفته‌اند و تکرار کرده‌اند که در صورت گسترش یا فتن جنگ به کشورهای دیگر، آن‌را "تهدیدی بزرگ" علیه منافع آمریکا تلقی خواهند کرد. این آیا بطور ضمنی بدان معنی است که جنگ اگر گسترش نیابد، منافع آمریکا در خطر نخواهد بود؟ به‌هر حال چنین اظهار نظرهایی دارای دود هدف عمده است: کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دلسرد نشوند؛ زاینکه آمریکا در پایان دادن به

سرشماری مصائب و فقر

رژیم تهران نخستین سرشماری خود را آغاز کرده است، آخرین سرشماری که در ایران صورت گرفت، به سال ۱۳۵۵ بازمی‌گردد. از آن روز تا کنون نه تنها رژیم عوض شده، بلکه همه داده‌های کشور تغییر کرده است. یک تغییر مهم، جایجا شدن بی سابقه جمعیت از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، و از شهرهای بزرگ به پایتخت است. در حالی که نفوس شهرها، به ویژه تهران، زیر فشار جمعیت به‌شماره افتاده است، روستاها از جمعیت فعال خالی گردیده است.

چنین وضعی در دوره‌های گذشته نیز بوجود آمد و حرکت از روستاها به سوی شهرها سرگرفت و جمعیت شهرها مخصوصاً "تهران به نحویرشتن اروپا فزاینده‌گذاشت ولی در این دوره بحران به مرحله انفجار رسیده است.

پس آمد این جایجایی جمعیت، برای شهر و روستا هر دو وحشتناک است. آنسان که روستاها را ترک می‌کنند، از گروههای سنی بالاتر یا پائین تر نیستند، جوانانی هستند که کشاورزی و رزوی زمین خورده، کسور ظرفیت جذب آن‌ها را ندارد. به‌ناچار به شهرها می‌آیند به امید اینکه کاری پیدا کنند، یعنی جذب صنعت یا خدمات شوند. اما صنایع نیز خوابیده است، و اگر هم چنین نبود، جوانان از روستا گریخته جز در پائین ترین رده فعالیت ساختن می، جائسی برای فعالیت ندارند. زیرا در ردیف کارگران ماهری یا نیمه‌ماهر نیز قرار ندارند.

جنگ نقشی فعال تر از این ایفا نمی‌کند. و دیگر اینکه جمهوری اسلامی خد خود را تشخیص دهد و در ارتباط با گسترش جنگ، از تهدیدها آترنورد.

با این همه اعراب حق دارند ننگران باشند. زیرا آتش جنگ در همسایگی آن‌ها روشن است و حرارت تهدیدکننده آن‌را از دلگرمی‌های دیگر باور پذیرتر می‌دانند. آنان حق دارند به این امر نیز پیوسته دیده بدبینی بنگرند که جمهوری اسلامی هدف‌های جنگی خود را تعدیل کرده است و فقط به کودتایی در عراق خرسندی می‌نماید. می‌دانند که این یک مانور تاکتیکی بیش نیست.

با این همه باید دید و سنجید چرا جمهوری اسلامی به این مانور یا تغییر تاکتیک دست زده است. انتخاب تاکتیک تازه هرگز از روی هوا و هوس نیست. بلکه با موقعیت رژیم ارتباطی نزدیک دارد.

اگر جمهوری اسلامی تاکنون چیزی کمتر از یک حکومت ولایت فقیه در عراق نمی‌خواست، به این دلیل بود که هنوز نمی‌دانست تا توان تر از آن است که بتواند به این هدف دست یابد، و حالاً که تغییر تاکتیک داده و فقط برکنساری مداوم حسین را می‌خواهد، از آن روست که به‌نا توانی خودپی برده است.

کمتر از صنعت، بخش خدمات به آن‌ها نیاز دارد، زیرا معمولاً زحداقل سواد که لازمه فعالیت در بخش خدمات است، برخوردار نیستند. پس از روی ناچار به آنچه روی می‌آورد که در اصطلاح اقتصادی آن را "بیکاری پنهان" می‌خوانند، و بدتر از این به دام تبیکاری می‌افتند که مثل خوره به جان جامعه افتاده است.

تغییر مهم دیگر افزایش هولناک بیکاری است. بیکاری که در رژیم گذشته ۷ درصد جمعیت فعال کشور را در بر می‌گرفت، امروز به ۴۰ درصد رسیده است. بر حسب آماری که خود رژیم منتشر کرده است، هم‌اکنون در ایران ۴ میلیون بیکار وجود دارد. و از همه نشان‌ها چنین برمی‌آید که این رقم ماه به ماه افزایش خواهد یافت. زیرا کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در اثر نبودن ارز یا مواد خام اولیه مدام بسته می‌شوند و فعالیت ساختمانی دچار رکود گردیده است.

تغییر دیگر کاهش در مدجوانان در جمعیت است، صدها هزار جوان در جنگ کشته شده‌اند. به همین مقدار معلول و از کار افتاده وجود دارد. پیاپی دیگر جنگ، شمار میلیونی آوارگانی است که از زادبوم خود ریشه‌کن شده‌اند و بدشواری می‌توانند در محیطی نامناسب نوس ریشه‌بداوندند. شرایط زندگی آنان، چه از حیث روحی و چه از حیث جسمی، در اردوگاهها چنان است که انسان را بی‌اختیار به

اگر جمهوری اسلامی تاکنون می‌گفت خود را برای یک جنگ بیست ساله آماده کرده است ولی اکنون همه نیروهای خود را متمرکز کرده است که سرنوشت جنگ را همین امسال معین کند، بدان سبب است که می‌داند دیگر نمی‌تواند جنگ را ادامه دهد.

جمهوری اسلامی در موضع ضعف است. اگر امکان صلحی با آن وجود داشته باشد، باید از همین موضع ضعف استفاده شود. به عبارت دیگر صلح باید برپا و تحمیل گردد، سهمی که خود ملت ایران باید در این کار بپذیرد، سنگین تر است. نباید چشم براه آن بود که دیگران بیایند و مسائل ما را حل کنند.

هفت کشور عرب درخواست برگذاری اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد را کردند. این شورا ۴ روز در باره جنگ بحث کرد. پانزده عضو آن به اتفاق رای دادند که جنگ باید هر چه زودتر پایان گیرد. نماینده جمهوری اسلامی از این جلسات غایب بود. این یعنی که خمینی صدای صلح را در خارج چندان جدی نمی‌گیرد، ولی اگر این صدا از داخل برخیزد و بلندتر شود، رژیم نمی‌تواند بدان بی‌اعتنا بماند.

با سرنوشت اسیران در اردوگاه‌های آلمان نازی می‌اندازد. تغییر دیگر، کنار گذاشته شدن زنان از حیطة فعالیت شغلی است. پیش از چهل درصد از نیروی فعال کشور بیکار است، و بخش بزرگ این رقم را زنان تشکیل می‌دهند.

میرحسین موسوی در پیام خود بمناسبت برگذاری نخستین سرشماری جمهوری اسلامی از جمله می‌گوید که این سرشماری برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش، رفع تبعیضات ناروا، بوجود آوردن امکانات عادلانه، ایجاد نظام اداری صحیح، پی‌ریزی اقتصاد عادلانه برچیدن محرومیت و غیره انجام می‌پذیرد. به‌آقای میرحسین موسوی فقط گوشزد می‌کنیم که این امکانات، پیش از سرشماری در ایران امروز وجود نداشت و پس از سرشماری نیز وجود نخواهد داشت. ناگامی دولت در ایجاد اشتغال، در توزیع درست و عادلانه ثروت، در افزایش تولید، در ایجاد یک نظام اداری درست بدین دلیل نیست که سرشماری تساهل‌های اگر بهترین و کارسازترین اطلاعات آماری را هم در اختیار این دولت نالایق گزارا می‌گذاشتند، نتیجه به هیچ روی بهتر از آنچه تاکنون دیده‌ایم، نخواهد بود. بهترین وسایل جراحی دردست‌های ناشی یک نااهل، نه تنها باعث شفای بیمار نخواهد شد، بلکه حال او را بدتر نیز خواهد کرد.

با سرشماری یا بدون سرشماری - رژیم در حال در آرداره کشور فرومانده است. وانگهی در حالت کنونی به نتایج این سرشماری اصلاً نمی‌توان اعتماد کرد. زیرا همان‌طور که خود میرحسین موسوی در یافته است در هر سرشماری نقش اصلی را اعتماد مردم ایفا می‌کند. و این مردم هستند که با پیدای اطلاعات مورد نیاز ما موران را به آن‌ها بدهند.

این‌ها موران شخصاً هر که می‌خواهند باشند، ولی چون از طرف رژیم به جمع‌آوری اطلاعات گمارده شده‌اند، از اعتماد مردم برخوردار نیستند. سرشماری اگر چه در هر برنا مریزی اقتصادی و اجتماعی عامل بسیار مهمی است، ولی می‌تواند مورد استفاده دستگاه‌های جاسوسی رژیم نیز قرار گیرد. سرشماری جمهوری اسلامی، پیشاپیش محکوم به بطلان است.



بزرگداشت

روز جمعه ۱۷ اکتبر نهضت مقاومت ملی ایران شامه‌وین، برای بزرگداشت آئین مهرگان، مراسمی تدارک‌دیده است. از همه علاقمندان مقیم آتریش دعوت می‌شود که در این گردهمایی شرکت کنند. محل اجرای مراسم:

Gaus Der Begegnung
Gatterburgg. 2a
wien 19

م. گیلان شیرخشک

و کمپانیهای اسلحه سازی!

آقای دکتر محمد رضا حساس رئیس انستیتوی علوم تغذیه و صنایع ایران طی مصاحبه ای که در روزنامه کیهان تهران بگوشه...

در نوشتاری دیگر، با زهم رژیم بیخاطر آنکه نا توانی خود را به مناسبت مشکلات مالی و ارزی در جهت کسروا ردا ت شیر خشک...

جالب اینجاست که مسئولین رژیم برای ما دارائی که در تنگدستی و گرفتاری روزمره خود سیرند و حال او...

اما بعدها که با بلند شدن سروصدای ما در آن که از قهقهه های دولت با خبرند و به درستی ما بین پنهان آتش آتش آتش آتش...

عاجز دید و حتی در تهران و دیگر شهرها شایع شد که ما در پی سازمان مجاهدین بسیاری از داروخانه ها و بنا کانی شیر خشک از روی استیصال و بنا کانی شیر خشک...

استاندارد کلیه شیرخشک های موجود در بازار ایران بر اساس استانداردهای تعیین شده سازمان بهداشت جهانی است و هیچ شیرخشکی یافت نمی شود که از طریق مراجع ذیصلاح توزیع نشده باشد...

مأموران پرخرج

در سال ۱۹۸۵، اسقف هیلاریون کا پوچی معروف، برای جمهوری اسلامی به مأموریتی به سویس رفته بود. هنگامی که صورت حساب اقامت او را در یکی از میهمانخانه های گرانقیمت زوریخ به وزارت خارجه فرستادند، حسابدارها حیرت زده شدند...

اما دیگر مدت ها است که حسابداران وزارتخانه های جمهوری اسلامی از دیدن صورت حساب های سنگین حیوانات زنده نمی شوند. مأموران این رژیم که به خارج از کشوری روند، در گران ترین هتل ها اقامت می کنند و در خرج کردن از کیسه دولت هیچ ملاحظه ای روا نمی دانند...

روزنامه کیهان (چاپ تهران) در شماره ۳۱ شهریور، نامه ای از خواننده ای چاپ کرده است که از این حیث سندجالی است. نویسنده نامه، که به دلایل درخور فهم نمی خواهد نامش فاش گردد، می نویسد: "در اردی بهشت ماه ..."

هیئت از کارشناسان یک کشور همسایه ... به تهران آمدند. اعضای این هیئت با قاطعیت آمدند، در سفرها رتخا نسه کشور خود منزل کردند و پس از ۱۵ روز با همان وسیله مستقیماً به کشور خود برگشتند.

نویسنده نامه سپس چنین ادامه می دهد: "به منظور ادامه مذاکرات، هیئت متابعی از طرف شرکت ملی فولاد ایران که خود اینجانب نیز عضو کوچکی از آن...

سیستان و بلوچستان میمنتاً بدست ما می آید با روزنامه کیهان ن پورده از این شگردهای حق بجانب برداشته و آخرین حرف را که همگان بر آن وقوف داشته ولی رژیم خود را به تهازل زدند...

قاجاق تجهیزات نظامی

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک ایرانی ۲۷ ساله بنا م حسن کنگرلو، به جرم قاچاق تجهیزات نظامی ساخت آمریکا به جمهوری اسلامی، روز دوشنبه ۶ اکتبر در دادگاه لوس آنجلس به ۳۰ ماه زندان محکوم شد.

وی از سال ۱۹۸۵ مقیم آمریکا بود. جفری مودیست، دادستان فدرال آمریکا اعلام کرد که حسن کنگرلو دو محموله وسایل مخابراتی نظامی به ارزش صد هزار دلار به ایران فرستاده است. آخرین محموله در ژوئیه سال گذشته به جمهوری اسلامی ارسال شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه سازمان امنیت داخلی آمریکا اف بی آی و گمرکات آن کشور تا بحال ۳۲ ماجرای قاچاق اسلحه و تجهیزات نظامی را به جمهوری اسلامی کشف کرده اند که با ۱۲۵ شخص حقیقی و با حقوقی به میان کشیده شده است.

خبرگزاری فرانسه یادآوری می کند که ایالات متحده آمریکا صدور اسلحه به جمهوری اسلامی را تحریم کرده است و این سازمان نیز خواسته به منظور پایان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق رویه ای مشابه در پیش گیرند.

خبرگزاری فرانسه - ۸ اکتبر ۸۶

شورش بنزین

بدنبال اعلام جیره بندی بنزین، دویمب بنزین توسط مردم به آتش کشیده شد. به گزارش عناصر صرملی، جیره بندی بنزین در تهران و شهرستان ها صف های طولانی در مقابل جایگاه های توزیع بنزین پدید آورده است.

از سوی دیگر این موضوع تهرانی ها را وادار به استفاده از سوخت تقلیه عمومی کرده است. اما تا کنونی ها و توبوس ها برای جایگاه های مردم ظرفیت کافی ندارند و در نتیجه نقاط عمده شهر تهران هر روز از آلودگی مواجه می شود. همین موضوع درگیری های پراکنده میان مردم به جان آمده و معترض و مأموران رژیم را بدنبال آورده است. عناصر صرملی می افزایند: روز جمعه ۳ اکتبر (پانزدهم مهرماه) یک جایگاه توزیع بنزین در اشتهای خیابان چهارم مردان قم و جایگاه دیگر در خیابان تهران از سوی مردمی که شعار مرگ بر ولایت فقیه می دادند، به آتش کشیده شد. در همین روز خیابان فرح آباد ژاله در تهران صحنه درگیری با ساداران با مردم بود. در این نقطه، مردمی که ساعت ها در انتظار دریافت بنزین مقابل جایگاه توزیع ازدحام کرده بودند، با پاداران که در محل حاضر بودند درگیر شدند و فریادهای مرگ بر جنگ و مرگ بر ولایت فقیه سردادند. این درگیری سرانجام با دخالت مأموران دولتی و پس از آن که یکمرد وینجا ه تن از سوی ساداران با زدا شد، خاتمه یافت.

سنگسار

روزنامه مدیلی تلگراف چاپ لندن، به نقل از ساکنان شهر قم گزارش می دهد که جمعه گذشته ۳ اکتبر یک زن ایرانی به برای دادگاه شرع در بستر رودخانه خشک قم به فجیع ترین وضعی سنگسار شد. این زن دو سال پیش به اتهام داشتن روابط نامشروع و همدستی در قتل شوهرش دستگیر و زندانی شده بود.

The Economist Intelligence United, Iran Annual Supplement 1982 تولید شیر با در نظر گرفتن افزایش قیمت به کمتر از ۱/۷ میلیون تن رسیده است به طوری که در سال ۵۷ مصرف سرانه هر شهروند از شیر و فرآورده های حاصله از آن ۸۴ کیلوگرمی است. هرفردوستا ۷۳ کیلوگرم و این میزان در سال های ۱۹۸۲ به بعد جمعاً به ۳۰ لیتر هم نمی رسد.

دی ولت:

بختیار رهبر و امید بخش

پاریس - یورگن کی مسکی



دعا کردن در میان انقلابیان ایران بیشتر محبوبیت را دارد: "خدا یا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار". زیرا ما داد که خمینی زنده است، انقلابیان با لنسبه کمتر نگرانند، اما ایرانیان مهاجر به سرخه می گویند که ملاحظه در برخی مسجدها گامی فراتر نهاده می گویند: "مهدی بیا، مهدی بیا".

شایسته بختیار، رهبر و امید بخش اپوزیسیون ایران، اعتنا می به این گزارش ها ندارد. برای او آیت الله شوی بردار نیست، وی را "مسیو خمینی" می نامد. اما بر آورد او ز رژیم روشن است. در اقامتگاه محافظت شده اش در "سورن" حومه پاریس به ما می گوید:

"این رژیم بر ترور منگی است. اهل گفتگو نیست. آقای خمینی می بنماید که حق دار عقیده اش را به جهان تحمیل کند. انتگریم سعی، جان که او سخنگوی آن است، به وسیله نا برداری مطلق منحص می گردد. حال آنکه برداری نخستین تقوای انسان متمدن است."

بختیار با بخشی از روحانیت ایران تماس دارد. می گوید: "همه آن ها مانند آقای خمینی نمی اندیشند. بسیاری شان چشم براه پایان رژیم هستند که آن را با تالیم بیا میرا زگار نمی دانند."

بختیار خود لایق است. ولی دیسن را محترم می شمارد. دین (برای او) به قلمرو خصوصی انسان تعلق دارد: "از این روین خواهان جدائی دین و دولت هستم."

بختیار می گوید بخش اعظم ملاحظه دریا فته اند که رژیم به پایان راه نزدیک می شود. زمان تغییر جهت فرا رسیده است. نیز می بینند که:

صدور ترور هم سرانجام برای کشور فایده ای ندارد.

و غرب نیز نماند بیدار به راه ما هیت و عمل رژیم دچار توهم شود. اگرچه ترور پیش از انقلاب نیز در ایران وجود داشت، ولی به عقیده این سیاستمدار که در این اثناء در پاریس، لندن و واشنگتن به عنوان آلترنا تیبوشنا خته شده است، "ترور هرگز جنبین مطلق و دارای انگیزه دینی و جنبین گسترده نبود."

بختیار می گوید: "امروز تهران مرکز ترور و بین المللی است."

این سوئال دمکرات معتقد، که عمری را در ایران با دیکتاتوری ها مبارزه کرد و در این راه به زندان نیز افتاد، بر اساس اطلاعاتی که روزنامه به قرار گاش می رسد، به پیروزی نیروهای مسلح ایران در جنگ اعتقاد ندارد.

می گوید انگیزه برای جنگ انسداد است، تجهیزات نیروهای که به زور به خدمت کشانده می شوند، تا بخواهی بد است. وسیله نیست، و کشور را با افتاده دیگر خونی در بدن ندارد، برای یک جنگ تدافعی هنوز می شد بسیاری از ایرانیان را بسیج کرد، لیکن برای جنگی تهاجمی که جریان دارد دیگر هیچ کس را.

رهبر ۷۱ ساله ایل مغرور بختیاری، مستقر در کوهپایه زاگرس، برای همکاری

با فرزند شاه فقید، که او آخرین نخست وزیر پدرش بود، آماده است، البته بر اساس سلطنتی مشروطه، به تقریب چنان که در اسپانیا یا انگلیس وجود دارد.

به عقیده ناظران بی طرف، بختیار و نهضت مقاومت ملی اومی توانستند در فاصله چند روز صدها هزار نفر را در شهرهای بزرگ ایران بسیج کنند. و این پیام در یک نگاه تظاهراتی به ابراستی به اثبات رسید. در آن زمان بیش از یک میلیون نفر در زمان تعیین شده در تهران به "گردش" رفتند. اکنون موقعیت از پیش مساعدتر است.

به عقیده بختیار در قانون اساسی ایران جدید برای همه اجزای که دموکراتیک باشند حقوق بشر را محترم بشمارند. جایی وجود دارد. نه حزب توده، طرفدار شوری پیشا پیش متنوع می شود و دسته گروه های دیگر. وی برای مجسمه هدین خلق که از حیث انتقاراتی در غرب بسیار رفعا لندهی قائل نیست، می گوید:

"اینان با رژیم توتالیتر انقلابی ها همکار کرده اند. آقای رجوی به خود می بالد که با دست خود مخالفان رژیم را کشته است. چنین آدم های قابل اعتماد نیستند. طرفدار از سوی رژیم مخالفان رژیم، از حیث مالی وابسته به عراق - آنان چگونه می توانند حمایت مردم را بدست آورند؟"

مانند کاری رژیم کمونیستی از حیث زمانی به سه عامل بستگی دارد:

"سراشیب تند اقتصادی، جنگ با عراق، انزوای بین المللی." شکست حمله ای که در پیش است، این تحول را شتاب خواهد بخشید. تعطیل کارخانه های هر چه بیشتر به علت نبود مواد اولیه و مواد خام در ماه های آینده شما ریبیکاران را فروزنی خواهد بخشید و حداقل یک میلیون بر آن اضافه خواهد کرد.

"یک حالت تهاجمی فذخمینی بوجود خواهد آورد." و سوی نومنکلاتورای انقلابی ها (کارمندان عالی رتبه، ملاها و پاسداران انقلاب) رژیم امروز فقط می تواند بر کردگان و نوجوانان افسون شده و همچنین بخشی از بازرگانه کند."

دی ولت - ۷ اکتبر ۱۹۸۶

حساب سازی

تنظیم صورت حساب برای کالاهائی که تحویل داده نشد، افزایش قیمت های که مشتری از آن خبری نداشت - این ها روش های بود که مدیران یک شرکت وابسته به گروه بزرگ صنعتی آلمانی "تیسن" برای کلاه گذاشتن سراپران بکار بردند و توانستند ۱۴۰ میلیون مارک زیادی از ایران پول بگیرند.

مجله آلمانی "اشیگل"، گزارش خود

را در باره فساد در معامله شرکت "تیسن" با شرکت ملی نفت ایران برای ساختن پالایشگاه نفت اصفهان، با عبارات فوق آغامی کند.

چاپخانه های که فرم های تقلبی چاپ می کرد، و افرادی که مضاء دیگران را جعل می کردند، مدیرانی که صورتحسابهای تقلبی را می پرداختند، اجزاء این شبکه کلاهبرداری بزرگ را تشکیل می دادند.

در اقامت آلمان فدرال موارد کلاهبرداری و تنبهاری اندک نیست، ولی تاکنون سابقه نداشته است که مدیران یک گروه صنعتی که دارای شهرت جهانی است، یک کارگاه جعل اسناد بسیار زیاد و صندوق مالی یک کشور دیگر را چپاول کنند.

دولت ایران، به اعتبار شرکت "تیسن" و اعضاء مدیران آن، بی هیچ گفتگویی این صورت حساب ها را می پرداخت. در طرحی که هزینه آن ۱/۸ میلیارد مارک برآورد شده بود، مبلغ ده میلیون مارکی مسئله مهمی نبود، خاصه آن که طرف معامله شرکت بسیار معتبری بود و سال، سال بهم ریختگی انقلابی بود: سال ۱۹۷۸.

ایران، برای آنکه صورت حساب های "تیسن" را بپردازد، نزد "دوچسه بانک" در دوسلدورف یک اعتبار برای اسنادی باز کرده بود. و بانک، هنگامی که اقلام مندرج در صورت حساب با مشخصات فنی کامل باقی می ماند، طبق معمول مبلغ را به فروشنده می پرداخت.

در این اثناء اگرچه شرکت "تیسن" در فهرست سیاه ایران قرار گرفته، و لسی مدیران آن در آلمان هیچ نگرانی حقوقی ندارند، زیرا جرم آن ها مشمول مرور زمان شده است: قضیه مربوط به سال ۱۹۷۸ است. و کلاهبرداری و تقلب در معامله پس از گذشت پنج سال در آلمان مشمول مرور زمان می شود.

اگرچه در همان روزها کسانی به تفضیه ظنن شده بودند، ولی در آغوش زالیهای ۸۰ میلادی بود که شرکت ملی نفت ایران و ابوالفتح محوی، بازرگان ایرانی مقیم ژنو، اسناد مربوط به تقلب شرکت "تیسن" را دریافت کردند.

سوی صورت حساب های ساختگی، راه دیگری نیز برای این تقلب بزرگ اندیشیده شده بود: شرکت های دیگری که می با یست بخش های مختلف پالایشگاه را بسازند و تحویل دهند، مستقیما "طرف معامله" ایران نبودند، بلکه با شرکت "تیسن" به عنوان پیمانکار اصلی قرار داد می بستند. ولی میلی که تیسن به آن ها می پرداخت، با میلی که با یست کار آن ها از دولت ایران می گرفت، تفاوت های بزرگی داشت.

مجله اشیگل می افزاید که "تیسن" در شرکت ملی نفت ایران کسی را داشت که صورت حسابهای مشکوک را از پرونده درمی آورد و به کناری می گذاشت. نام این شخص در پرونده های تیسن با حرف "س" مشخص شده بود و او سیاوش هنری، کسی است که تا سال ۱۹۷۹ در ادا راه قرار دادهای شرکت نفت عضویت داشت و توانست به موقع از کشور خارج گردد و در ایالات متحده اقامت گزیند.

وی هنوز نیز برای "تیسن" کار می کند. گاه

به عنوان مشاور و کارکنان مدیر فروس در ایالات متحده.

مجید دیبا که عضو هیات مدیره شرکت نفت بود، می گوید: "در شرکت نفت معروف بود که تیسن همواره در دادن هدایا و رشوه بسیار سخاوتمند است، و یک نماینده تیسن یک بار به خود او پیشنهاد یک میلیون دلار کرد که در هر جای جهان قابل پرداخت باشد."

اشیگل - ۶ اکتبر ۱۹۸۶

پناهندگی

چهار ورزشکار ایرانی

خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع رسمی کره جنوبی گزارش می دهد که روز ۸ اکتبر سفارت عراق در سئول با تقاضای پناهندگی چهار ورزشکار ایرانی از عراق موافقت کرد.

به گفته شاهدان عینی، نیروهای پلیس برگرد ساختمان سفارت عراق در سئول مستقر شده اند و از سوی دیگر از روز ۷ اکتبر تاکنون یک ماء مورد دولت جمهوری اسلامی برای باز پرس گرفتن چهار ورزشکار ایرانی به سئول آمده است.

بنابراین اعلامیه رسمی از سوی دولت کره جنوبی، هنگامی که گروه ۵۳ نفری ورزشکاران ایرانی که برای شرکت در بازی های آسیایی به سئول رفته بودند قصد عزیمت به تهران را داشتند متوجه غیبت این چهار تن شدند.

در این اعلامیه توضیح داده شده که این چهار تن به نام های محمد منتظری، اردشیر بهمنیار، سیا مک بژند و مهدی رضوانی در سفارت عراق بصری برند. در اعلامیه قید نشده است که آیا دولت کره جنوبی به ورزشکاران پناهنده اجازه خواهد داد که به عراق بیرون دیا نه.

روز ۶ اکتبر منابع موثق اطلاع داده بودند که مقامات کره جنوبی از عزیمت چهار ورزشکار ایرانی به عراق جلوگیری کرده اند.

خبرگزاری فرانسه - ۹ اکتبر ۸۶

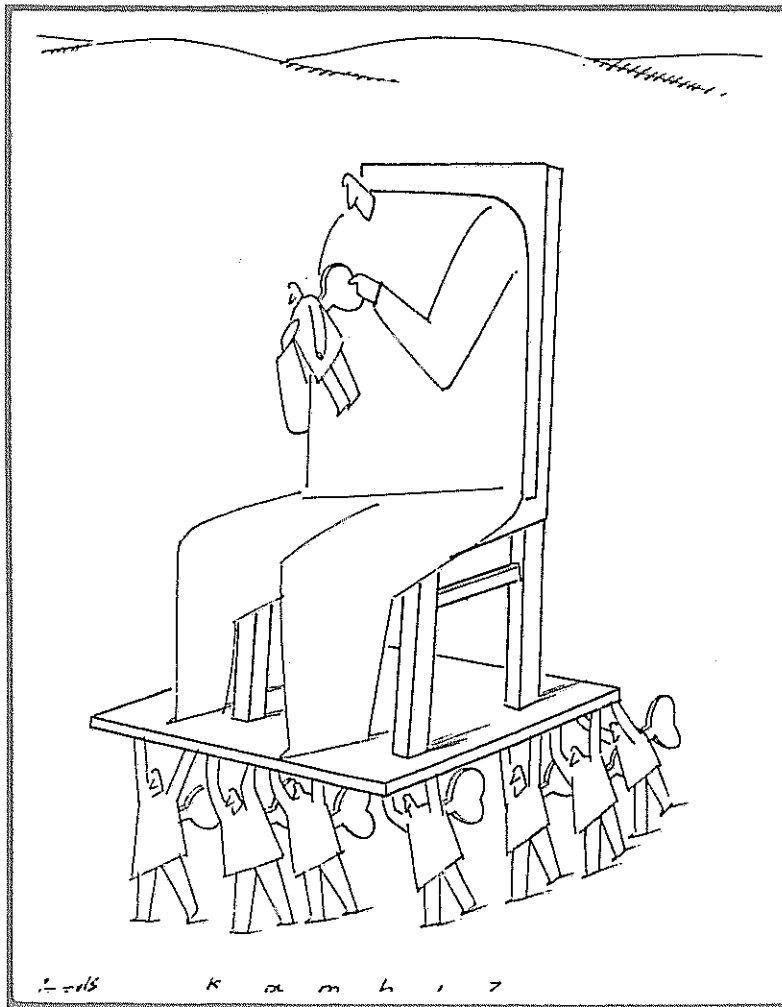
وزیر دفاع امریکادرجین

نشریه میدل ایست اکونومیک دا یجست به نقل از منابع آگاه در واشنگتن گزارش داده است که کاسپارو این برگر، وزیر دفاع امریکادرسرآینده خود به پکن در مورد جنگ ایران و عراق و مسئله فروش سلاح های چینی به جمهوری اسلامی، با مقامات پکن مذاکره خواهد کرد.

این نشریه به نقل از همین منابع می افزاید: دولت آمریکا حتما رد که به رغم تکذیب های مکرر دولت چین، این کشور به جمهوری اسلامی مقادیر معتنا بهی سلاح و هواپیما های نظامی ما درمی کند و حال آنکه این اقدام منافی موضوع بی طرفانه اعلام شده پکن در قبال جنگ ایران و عراق است.

میدل ایست اکونومیک دا یجست - ۷ اکتبر

حذف داوطلبانه حقایق



کتاب جرج ارول، به نام ۱۹۸۴، در ایران سرنوشت جالبی داشت. تقریباً دو دهه سال پیش از انقلاب اسلامی، ترجمه و چاپ شده بود. ولی از آن جز نسخه‌هایی محدود به فروش صرفت، بقیه در قفسه‌ها یا انبارهای کتابفروشی‌ها خاک می‌خورد. چند هفته یا چند ماه پس از انقلاب اسلامی، نه فقط از کتاب‌ها خاک‌ها سترده شد و بیهوده با زار عرضه گردید، بلکه مترجمان تازه‌ای آن را از نو ترجمه کردند و ناشران تازه آن را به بازار فرستادند. ۱۹۸۴ که پیش از انقلاب اسلامی کتاب فخراموش شده‌ای بود، ماه‌ها و بلکه سال‌های تمام در شمار پرفروش‌ترین کتاب‌ها درآمد. ارول، هنگامی که آن کتاب را می‌نوشت، الگوی انقلاب اسلامی را نمی‌توانست در نظر داشته باشد، ولی آنچه او در ایران رمان آورده بود، به نحو غریبی در رژیم اسلامی شکل می‌گرفت، زنده می‌شد، واقعیت می‌یافت، صورت می‌پذیرفت. در سرزمین انقلاب، چنان که ارول شرح می‌دهد، البته کسی دروغ نمی‌گوید،

منتها اسم چیزها عوض می‌شود؛ مثلاً وزارتخانه‌ای که ما، مورنشر خبرهای دستکاری شده است، "وزارت حقیقت" ووزارتخانه‌ای که در آن شکنجه داده می‌شود، "وزارت عشق" نامیده می‌شود. و این تغییرمعنای واژه‌ها به تدریج چندان پیش می‌رود که یک واژه نام، تازه‌اش نشین و واژه نام قدیمی می‌گردد.

رژیم اسلامی حاکم بر ایران از بسیاری جهت‌ها شبیه‌تصویری است که ارول در آن کتاب درآنگاه است. از جمله از این جهت که در آن رژیم برای بیان حقایق کهن و واژه‌های نوین که می‌برند و یا اصولاً کلمات تازه‌ای می‌سازند.

در رژیم تهران طرح جیره‌بندی کالاها، اسمش جیره‌بندی نیست، "توزیع عادلانه" کالاهاست. یعنی رژیمی که زیر فشار کمبودنا گزیر شده است کالاها را جیره‌بندی کند، می‌خواهد این را به عنوان یک نمونه عدالت اجتماعی به جامعه حقیقت کند.

کلمات، حتی در ۱۹۸۴ جرج ارول، هرگز

به این اندازه برای پوشاندن واقعیت بکار گرفته نمی‌شدند که در رژیم اسلامی می‌شوند. و شگفت اینکه واقعیت هر قدر روشن و ملموس تر، کلماتی که برای پوشاندن آن بکار می‌رود، غریب و نامفهوم‌ترند.

ما هفتاد و یک نفر، کره گیر نمی‌آوردند، چون دربار از وجودندارد. خوب، وقتی چنین حالتی پیش آید، به زبانی متداول می‌گویند که کره کمیاب یا نایاب شده است. هم‌این را می‌فهمند. ولی زبان رژیم - که خود را مردمی هم می‌خواند - در اینجا از همیشه بیشتر از زبان قابل فهم برای مردم فاصله می‌گیرد. می‌گوید: "حذف داوطلبانه" کره از الگوی مصرف. این عبارت را جلویک آدم معمولی کوچک و بزرگ در ایران بگذارید، آیا می‌تواند دربار بدک "حذف داوطلبانه" کره از الگوی مصرف "یعنی اینکه کره دربار را رگیر نمی‌آید؟

از این هم ریاکارانه تر عنوانی است که به تعطیل بیای بی کارخانه‌ها و بیکار شدن خیل روزافزون کارگران داده‌اند، به تعطیل شدن کارخانه‌ها می‌گویند؛ تغییر ساختار اقتصاد. انگار که تعطیل یک کارخانه با چند صد یا چند هزار کارگر مانند تغییر دکوراسیون یک مغازه است که باعث شود مغازه چند روز تعطیل باشد و فروشندگان و کارگران در این چند روز از کارغایب باشند.

چیزی ریاکارانه تر از این وجود ندارد که در کارخانه‌ای را ببندند و کارگران را باز خرید کنند و بگویند "ریم" ساختار اقتصادی "را تغییر می‌دهیم. کارگر بینوا چه می‌داند" ساختار اقتصادی "یعنی چه. اگر می‌دانست حتماً بقیه" مسئولان این ناپسمانی را می‌گرفت و می‌پرسید تغییر ساختار اقتصادی چه ربطی دارد به تعطیل کارخانه؟ مگر این همه کارخانه‌ها که ساختار تولید خود را در طول سال تغییر داده‌اند، درهای خود را بستند و کارگران را به درون خود راه ندادند؟

کره دربار را ریبدا نمی‌شود، می‌گویند الگوی مصرف را در تغییر می‌کنند، کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند، می‌گویند ساختار اقتصادی را در تغییر می‌کنند. لابد دربار ره کمبود مواد و کارگر و کتاب هم می‌گویند الگوی آموزشی را در تغییر می‌کنند.

هنگامی که انسان با چنین لحنی از "تغییر" حرف می‌زند، قاعدتاً "نوید بهبودی" را درآینده می‌دهد. اما در ایران انقلاب زده تغییر یعنی کمبود، یعنی مصیبت، یعنی بیگاری، یعنی بینوائی، در چنین حالتی آیا بهتر است نیست که جلوه‌های تغییر را گرفتار شود، مگر یک تغییر: تغییر رژیم؟



بقیه از صفحه ۱ انهدام تأسیسات نفتی کرکوک

در این میان، جمهوری اسلامی، شب گذشته (۱۲ اکتبر) اعلام کرد که در پی عملیات پیروزمندانه الفتح - یک که با شرکت پاسداران انقلاب اسلامی و کردهای اتحادیه میهنی کردستان عراق انجام شده و به انهدام تأسیسات نفتی و استراتژیک کرکوک انجام می‌شد، فرودگاه این شهر، دیروز بسته شد. رادیو جمهوری اسلامی در گزارشی در باره چگونگی انجام عملیات علیه کرکوک گفت واحدهای عراقی که قصد داشتند این عملیات چریکی را مهار کنند بی درنگ به محاصره درآمدند و شمار کثیری کشته و زخمی برجای نهادند. رادیو رژیم تهران به نقل از جبهه اسلام هاشمی رفسنجانی، سخنگوی شورای عالی دفاع اظهار داشت که دوهزار و پانصد تن نیروی انسانی و مقادیر قابل ملاحظه‌ای ملزومات جنگی در عملیات والفتح - یک که جمعه شب

و با مدد شنبه (۱۱ و ۱۲ اکتبر) انجام شد، به کار گرفته شدند. هاشمی رفسنجانی که در برابر دانشجویان دانشگاه امام صادق سخن می‌گفت اظهار داشت که شیوه نوین این عملیات از مدت‌ها پیش به یاری و همکاری یکی از گروه‌های اپوزیسیون عراق (اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی) تدارک می‌شد.

وی افزود که عملیات والفتح - یک، پاسخ سخت جمهوری اسلامی به حمله‌های بغداد به تاسیسات اقتصادی ایران بود. هدف اصلی ما از انجام این عملیات، تضعیف بنیه اقتصادی عراق بود. به این ترتیب، ما می‌خواستیم مانع از غارت منابع اقتصادی عراق از سوی رژیم بعثی حاکم بر این کشور شویم.

روز دوشنبه ۱۳ اکتبر، مقامات رسمی ترکیه اعلام کردند که شاه هلوئه نفتی عراق که نفت کرکوک را به پایگاه‌های ترکیه می‌رسانده هیچ آسیبی ندیده است و رئیس تاسیسات نفتی ترکیه در شهر بومورتا لیک نیز تا غایت نمانده است که جریان نفت عراق از زنجیره‌های کرکوک به پایگاه ترکیه بر اثر حمله نیروهای جمهوری اسلامی قطع نشده است. ۱۲ اکتبر جمهوری اسلامی روزیکشنبه اعلام کرد که جنگنده‌های کشور عراق مراکز صنعتی شیراز و اصفهان را بمباران کردند که بر اثر این حملات ۶ تن کشته و ۴۰ نفر زخمی شده‌اند. خبرگزاری فرانسه از بغداد گزارش داد که جنگنده‌های عراقی بعد از ظهر روز ۱۲ اکتبر پایگاه شیراز و کارخانه‌های اصفهان را بمباران کردند و شیمیایی اصفهان را بمباران کردند.

خبرگزاری‌ها - ۱۳ اکتبر ۱۹۸۶



داستانی از شاهنامه

یازده رخ یا دوازده رخ؟

گودرز وقتی او را چنین دید دلش بسیار سوخت و زار بگریست و بدو گفت: ای پهلوان نامور تو را چه شد که چنین پیاده از پیش من دوان می‌روی؟ چرا ز لشکر کسی تو را یاری نمی‌کند؟ چون چنین است از من زنهار خواه (= امان بخواه) تا تو زنده پیش شاه بنیرم، اما پیران از غیرت پهلوانی رضاینداد و گفت: من اندر جهان مرگ را زاده‌ام. بدین ترتیب گودرز بر گرد کوه می‌گشت و بر پیران دست نمی‌ساخت. اما به دستی سپر و به دستی زوبین به سوی او می‌رفت. پیران او را از دور می‌دید و چون فرصتی یافت زوبینی به سوی گودرز به دست پیران زخمی شد به خشم آمد و: بیداخت زوبین، به پیران رسید

زره در برش سر بر بردارید زبشت اندر آمد به راه چگر بخلید و آسیمه برگشت برآمدش خون چگر از دهان

روانش ز تن رفت هم در زمان گودرز، زخمی، اما پیروزمند نزد گوان ایران با زگشت و نبرد به پیروزی ایران پان پان یا پان یافت. در جنگ یازده رخ صحنه‌های زیبا و ریزه‌کاری‌های شگفت‌انگیز دربار ره فنون سیاهی گری و لشکر کشی و توجه به ویژگی‌های میدان جنگ و شرح نکات فنی نظمی به فراوانی آمده است و نشان می‌دهد که فردوسی یا خود روزگاری به سیاهی گری گذرانیده یا از این دانش آگاه‌تر و دقیق‌تر و وسیع‌تر دانشه‌است. شاهنامه زبسیاری جهات، و از بُعدهای گوناگون قابل ملاحظه و مطالعه است. یکی از آن جنبه‌ها نیز جنبه نظامی است. این شاهکار جاویدان هنر و ادب فارسی است.

ولیکن زمردی همی کرد کار بکوشید با گردن روزگار و زان پس کمان برگرفتند و تیر دسالار لشکر، دوشیار ربیر یکی تیر بران بگردند سخت چو با رخزان برجهد بردخت گودرز در ضمن تیر بران، جای حساسی از ره اسب (= برگستوان) پیران را نشانه می‌گیرد و تیری به اسب می‌اندازد. اسب از ضربه تیر بر زمین می‌غلتد و پیران از اسب می‌افتد و در زیر سنگینی تنه اسب دست راستش می‌شکند و دو نیمه می‌شود. پیران دانست که زمانش فرا ز آمده است (= وقت مرگش رسیده است) ... ز گودرز بگریخت، شد سوی کوه شاد ز درد دست و دویدن ستبوه همی شد بر آن کوه سر بر، دوان کز او با زگردد مگر پهلوان ... پیران پهلوانی نجیب و نیک‌خواه و خوش طینت است.

گفتار کوتاه نمی‌کنند، اما برای به دست دادن نمونه خلاصه‌ای از آخرین، و احیاناً جالب توجه‌ترین ایسن نبردها را که رزم گودرز با پیران است عرضه می‌کنیم: صحنه مربوط به وقتی است که تمام سرداران تورانی به دست حریفان ایرانی خویش به قتل آمده‌اند و پیران تنها سرداری است که هنوز زنده مانده است: ... چنان شد که پیران ز توران سیاه سواری ندید اندر آوردگاه (= میدان جنگ) سیه دار ایران و توران، به هم فرا ز آمدند اندر آن کین، دژم ... به تبع و به خنجر به گرز و کمنند زهرگونی‌های بر نهاند بند فرا ز آمدان گردش ایسزدی زیزدان به پیران رسید آن بدی ... نکه کرد پیران که هنگام چیست بدانست کان گردش ایسزدی است

نامه‌ها و نظرها



حاج نام با نامی را همه ما سوخته‌های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و برداشتهای محمی نویسندگان ما معاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارکان مرکزی بهمت مقاومت ملی ایران ما معاد همه این سوخته‌ها نیست.

دیدار با وطن

پائیز اندوهبار

فریدر امین، یکی از همکاران قیام ایران که از سفر ایران بازگشته است یادداشت‌هایی فراهم کرده است که بخشی کوتاه از این یادداشت‌ها از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

۱ - اول مهر - پاییز تهران، چنارهای خیابان آنا تول فرانس غبار آلود و زرد هنوز در آرم آورده‌اند. دختر مدرسه‌ای‌ها با مقننه و روپوشی بسمت خیابان شاهرها یا تخت جمشید راه افتاده‌اند. پیش‌تر نرده‌های دانشگاه خیری نیست، خلوت و سوت و کور، تنها نقاشی‌های دیسوار می‌هستند که نمای دانشگاه، هنرهای زیبا را پوشانده‌اند. نقش عده‌ای که جنازه‌ای را سردست می‌برند.

نرده‌های وسط خیابان شاهرها کم‌کم هم‌قدم شده‌اند. گویا هر سال بلندتر می‌شوند. کتا پفروشی‌ها و بساط نوارهای موسیقی با سماجت سرچاپشان هستند. تا همین دو سال قبل دکاهای موقتگی کتا بهای مذهبی زیبا دیدوند حالا حتی یکی هم باقی نمانده، چادر بزرگی که مجاور دروازه دانشگاه محل نمایش تصاویر شهید و کتا بهای چاپ‌مجموع شده است. و کتا اینکه نظرها و حسیه سازی‌های مبتذل در این گوشه شهر بی‌شماری است.

خورشید آرام آرام در انتهای خیابان شاهرها قرار می‌گیرد. اول بهار و اول پاییز خورشید دقیقاً (در راستای همین خیابان طلوع و غروب می‌کند.

خیابان ۲۱ آذر خلوت است. با وجود این همه دود و دودها هونسیم خنگ چیسوزی از پاییزهای قدیمی درخودندارد. هنوز هم می‌شودگاه‌های آن طرف نرده‌ها، لابلائی سایه روشن برگ‌ها شبی از روزهای آرمویی دغدغه‌دید.

مقابل پارک فرح بساط بلالی‌ها بر راه است. پسرها دسته‌دسته تخمه می‌شکنند و قدمی زنند. در انتظار دیدن دختر مدرسه‌ای‌ها که با وجود مقننه و روپوش با زهم سرخوش و شاداب مانده اند و گوش بزندگ اند تا به محض پیدا شدن اتوموبیل گشت، مقتنع را جلو تریکشنه‌ها مابا که طره مویی سرکتی کند.

۲ - سرکوه خلوغ است. نوبت جدید کوبین نفت را اعلام کرده‌اند. زن‌های خیابان ربا طرف ۴ لیتری کنار در می‌شوند. خانه‌هاشان منتظرند. صحبت از زمستان امسال است: "خدا بخیر کند. امسال یک قطره نفت هم پیدا نخواهد شد. نفت که هیچ، امسال زمستان نان هم گیرکتی نخواهد آمد."

۱۵ تومانی را چطور میشوید خرید؟ همسایه آرمینی تازه از مسجد برگشته هنوز دفترچه جدید را نگرفته. نگران است. می‌گوید اگر دفترچه نیا شد آب هم نمی‌توانیم بخوریم. همسایه دیگری می‌گوید: "بیخود که دفترچه‌ها را عوض نگردند. می‌خواهند احوال تک تک مساجد خیرداشته باشند، می‌خواهند جوان‌های مشمول را گیربندازند. جوان‌ها می‌ترسند، اکثر "تسلیم می‌شوند. دفترچه آما ده به خدمت و بعد امیده‌خدا... عده‌ای هم‌پنهنسان

و موتور حرف زد. با لایحه وقت را بسازید گذرانند. فعلاً کار دیگری نمی‌شود کرد. با دید منتظر بیدار و ضاع عوض شود.

۴ - شهرک غرب - فازیک - عمله‌ها دست و صورت را شسته اند و شلوار تمیزی پوشند. محوطه‌های هم‌کم‌تمام میشود. مانده تعدادی موزا شیک که آن را هم میشود در بازاریا پیدا کرد. آپارتمان‌ها تقریباً ۳ ماده تحویل اند. اما تحویل به چه کسی؟ ۱۵ میلیون تومان سرمایه و دو سال کار و بدبختی را کد مانده است. دو سال این درو آن در زدن برای تهیه مصالح، پرداخت عوارض، دریافت صد جور مجوز و پروانه، رشوه‌ها و دادر شهرداری... تمامش بیهوده و بی‌حاصل. آیا رتمان را با بفروخت ولی کس خردار؟ کسی از این پول‌ها نسیار. تا زکی می‌گویند بیدار نه را به سلیقه بازاری‌ها ساخت. راست می‌گویند. هفته‌ها قبل حاج آقایی که برای دیدن ساختمان آمد از نبودن گچ بسری روی دیوارها و سقف گله کرد و رفت. دکترها هم پول دارند. آن‌ها هم خانسواده را فرستاده اند. خودشان تنها یک آپارتمان لوکس را رده می‌کنند به ما می‌۱۲ هزار تومان، صبح تا شب کار می‌کنند و بعد دلار یکی ۸۰ تومان می‌خورند و می‌فرستند برای خانواده، و قشش که برسد خودشان هم می‌روند. پس چکار با بید کرد؟ گاش جنگ تمام شود...

مقابل آپارتمان‌ها دو واحد مسکونی نیمه‌تمام قرار گرفته ما حیا نشینان طاغوتی بوده‌اند، فرار کرده‌اند. حالا چهار خانوار آورده کرد آنجا می‌نشینند. دور ساختان‌ها را نابلون گرفته‌اند. همه کارگرند، کارگر فملی. فعلاً گویا فصل بیکاری است. منظره محله را خراب کرده‌اند. مشتری‌ها از دیدنشان دلخور می‌شوند. اما کومشتی...؟

۵ - خیابان شاهرها یا انقلاب... چندتا بنزویچ نیسان آژیرکش می‌گذرند. سرها از بترین کتا بفروشی‌ها به سمت خیابان برمی‌گردند. روزنامه‌فروشی بی‌پروا فتن‌خواهروا در می‌دهد. از بساط نوار فروشی‌ها صدای آواز می‌آید. نسیم پاییز درخت‌های محوطه‌ها دا شکار آرمی را زده اندوا لایه‌های هممه‌ها خیابان و لایز اتوموبیل‌ها، بویی از بایزهای قدیمی تهران را به مشام می‌رساند...

پاسخی به نامه استامبول

مدیر محترم قیام ایران، یکی از بزرگترین عیوب غربت، نداشتن مخاطب است و وقتی مخاطب پیدا میشود غریب‌وارا از دست نمی‌دهد. خانم یاقاقتی که با امضا محفوظ، به‌دیده لطف و محبت به مقاله "شاهاک رتسانون اساسی" توجه کرده‌اند مخاطب می‌باشند که حیفاست با او به گفتگو نشینیم. بنا بر این از جناب عالی خواهش می‌کنم که این پاسخ را چاپ فرمائید تا باب گفتگو و انتقاد دیگر نویسندگان در ۱ - هموطن گرامی ما در درگاه خود در روزنامه قیام ایران مورخ هفدهم مهرماه ۶۵ در مورداً منتفا دبه مقاله "شاهاکار قانون اساسی" به‌مواردی اشاره کرده‌اند که از نویسندگان نبوده است. از جمله اینکه "انجمن‌ها در واقع نماینده دولت مرکزی بوده و نظارت بر انتخابات... و الخ" را به عهد ده داشته‌اند که طبق پانویس شماره ۱۲ از خانم منصوره رفیعی بود که مورداً انتقاد اینجانب قرار گرفت. و ظافاً انجمن‌ها طبق قانون محدود به این موارد نبود. بلکه انجمن‌ها دارای آن چنان اختیارات وسیعی بودند که حتی امروزه نیز با همه تحولاتی که در کشور اقتصاددی کشور داده است می‌توان از آن اختیارات استفاده کرد.

۲ - هموطن‌ها، اشاره به وجود اقلیت‌های ملی در ایران کرده‌اند و واقعیات را تا بی‌بیدی بر آن دانسته‌اند، مختصراً "با دیده اطلاع ایشان برسانیم که اقلیت مفهوم عددی نیست زیرا اگر بخواهیم این مفهوم را بکار ببریم در این صورت سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی و سیاه‌پوستان بعضی ایالات در آمریکا و شمالی ویا سنی مذهبیان در سوریه جزو اکثریت محسوب خواهند شد. در حقوق و جامع‌شناسی اقلیت مفهوم

دیگری دارد و تابعی از روابط بین‌یک گروه با گروه حاکم است. اگر گروهی در داخل جامعه‌ای باشند که دچار تبعیض بوده‌وا از جامعه خارج باشند و دارای آنچنان احساس همبستگی باشند که آن‌ها را از سایر گروه‌ها مشخص و معلوم کند در این صورت میتوان گفت با یک گروه اقلیت رو برو هستیم.

سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی از لحاظ تعداد در اکثریت است ولی با آنکه سیاست‌آپارتناید، از جامعه خارج بوده و دچار تبعیض است و احساس مشترکی هم بین او و سفیدپوستان وجود ندارد. سنی مذهبیان سوریه نیز از لحاظ تعداد در اکثریت اند ولی گروه حاکم را گروه علویون تشکیل می‌دهند که از جهی نوع مشارکتی را به سنی مذهبیان نمی‌دهند و آن‌ها را از ارتقای به‌منازل محروم می‌کنند.

مثال‌های دیگر نیز شا هدا بین مدعا است. هموطن‌ها می‌توانند حتی یک مورد را در ایران نشان دهند که شخص یا اشخاصی را به علت وابستگی قومی از ارتقای به‌مقامی ممانعت کرده‌باشند و یا اورا در متن جامعه به حساب نیاورند؟

اکثریت وزرای ایران بعد از قاننون اساسی را غیرفارسی‌ها (فارسی‌بهنمای استان‌ها امروزی است ولی مدعیان رهبری خلق‌ها همه را قاطی می‌کنند و بیزدی و گیلک را نیز فارسی‌ها خوانند) تشکیل می‌دادند. کریم‌خان زند کردبود و زبان چندلسله زلایه‌ها را به‌سبب آن آذربایجانی بود ولی همه این‌ها مانع نمی‌شده بلوچ یا گیلک از حقوق خود محروم بمانند.

۲ - هموطن‌گرمی اشاره به همه سیستم فدرا لیسیم نموده‌اند که عیار رتست از فن تشکیل یک دولت از اجتماع دولت‌های مختلف. بدون اینکه بخواهیم وارد خوبی یا بدی چنین سیستمی شوم، سئوال می‌کنم مگر سیستم مالک محروم چه عیبی دارد که باید آن را بدورا فکنیم و تقلید از خارج کنیم. مالک محروم ایران سابقه طولانی دارد و با مجموع اوضاع و احوال کشور نیز منطبق است.

۴ - اشاره به ملت آذربایجانبان فرموده‌اند، اگر لغت ملت را به معنای ایرانی آن بکار ببریم با شما موافقم ولی اگر ما بماند معنای آن بکار ببریم در این صورت باید بگویم که چنین ملتی در ایران وجود ندارد و در لائل مفصل آن در کتابی که نگارنده این‌طور در دست‌آ لیب‌ها دروا میداست به چاپ برسد داده شده است.

۵ - راجع به تحلیل فرهنگ‌ها مرقوم داشته‌اند، تردیدی نیست که تحلیل فرهنگ‌های قومی باعث فقر فرهنگ ملی خواهد کرد. به همین دلیل نویسنده اعتقاد دارد که باید در شکوفائی آن‌ها کوشید و زبان‌های محلی را آموزش داد اما فراموش نفرمائید که نه زور و نه قانون قانندریه‌ها در فرهنگ نیستند زیرا فرهنگ پدیده‌ای است اجتماع و این بیشتر به‌خودا قوام مربوط است تا به حکومت مرکزی.

در مورد زبان هر چند که جواب آن با آقای‌ها دیه‌ها است ولی زبان‌های مورد قبول جامعه قرار می‌گیرد که خاصیت نقل و انتقال داشته‌باشند و بتوانند درجه‌های مختلف فرهنگی را برای افراد جامعه با زکند و آلا زبان‌ها فقط قادر به رفع احتیاجات روزمره قومی باشند می‌توانند در جامعه‌ای مورد قبول قرار بگیرد. همه شمرازی آذربایجانبان را کسی بزور وارد به‌شهرگفتن به‌پارسی نکرده‌اند همان‌طور که کسی شاه‌ساعیل را با جیب‌سار وادار به‌گفتن به‌زبان آذری نکرده و سلما " دولت مرکزی ایران آنچنان قدرتی نداشت که شاه سلیم سلطان

عثمانی را بزور وادار به‌شهرسرودن به زبان فارسی نماید ۱۱

۶ - نه در مقاله مؤزداً منتفا دهموطن‌ها وانه در کتا بی‌که به چاپ خواهد رسید "واقعیات" از نظر دورنمانده بلکه با در نظر گرفتن آن‌ها و با توجه به سابقه تاریخی کشور ما سنی شده است. مقدمه‌ای برای راه حل داده شد تا مجالی برای مداخله بیگانگان پیش نیاید. بدیهی است این مقدمه به‌هممت هموطنان دیگری که در مورد آن اظهار نظر خواهند کرد تکمیل خواهد شد.

منوچهر پاک

تهدیدهای تازه

باز دیگر تهدیدهای تروریستی هماهنگ علیه فرانسه اوج می گیرد. سازمان جها د اسلامی، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای و ارتش سری ارمنستان معروف به "آسالا" به طور هماهنگ تهدیدهای خود را علیه فرانسه از سر گرفتند.

روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس نوشت: فرانسه زیر شلیک های متقاطع گروهکهای تروریستی خاورمیانه قرار گرفته است. روز ۴ اکتبر کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای، اعلام کرد چنانچه سه تروریست زندانی در فرانسه، یعنی ژرژ براهمیدالله، انیس نقاش، و روژان گاربیچیان آزاد نشوند عملیات تروریستی خود را در فرانسه از سرخواهد گرفت.

از سوی دیگر سازمان تروریستی جهاد اسلامی با ردیگری پیام سه تن از گروهکهای فرانسوی را که در یک کاست ویدئو ضبط شده بود همراه با اعلامیه ای برای یک خبرنگاری غربی دربیرتارسنال داشتند. دودیلیمات فرانسوی، مارسل کاترن، و مارسل فونتن، و روزنامه نگار فرانسوی ژان پل کوفمن، در این نوار ویدئو در حالی که آشکارا زیر تهدید تروریست ها قرار داشتند اعلام کردند که آزادی آن ها موکول به اقدام دولت فرانسه برای آزادی ۱۷ تروریستی است که در کویبت زندانی هستند. این عده که عضو حزب الدعوه و وابسته به جمهوری اسلامی هستند، به علت انجام عملیات تروریستی مختلف در خاک کویبت که منجر به قتل ده ها نفر افسراد بی گناه گردید زندانی هستند.

دولت کویبت با رها اعلام کرده است که به هیچ عنوان حاضر به آزاد کردن این تروریست ها نیست.

از سوی دیگر ارتش سری ارمنستان معروف به "آسالا" از سازمان جها د اسلامی خواست ژان پل کوفمن یکی از گروهک های فرانسوی را به قتل برساند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، شخصی که خود را "واهران میان" سخنگوی ارتش سری ارمنستان معرفی می کرد، روز ۷ اکتبر طی تماس تلفنی با یک خبرنگاری غربی در بیروت اظهار داشت: به علت سفر شیمون پرز نخست وزیر اسرائیل به فرانسه ما از سازمان جها د اسلامی می خواهیم قانون شرع اسلام را در مورد ژان پل کوفمن جا سوس صهیونیست اجرا کنند و وی را به قتل برسانند.

سخنگوی آسالا افزود: ما حکم اعدام را در مورد فرانسوا میتران رئیس جمهوری صهیونیست فرانسه اعلام کرده ایم و آن را سرانجام اجرا خواهیم کرد. ما به ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه نیز که در دام فرانسوا میتران افتاده است هشدار می دهیم.

سخنگوی ارتش سری ارمنستان، همانند کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای خواستار آزادی ژرژ

جبهه های اعتیاد

بقیه از صفحه ۱

راه حل اجتناب از درکجاست؟ در این است که معتادان را برای بازآموزی به جزیره ای تبعید کنند که تا می نماند؟ در این است که جوانان ما را از زی هویتی دنیای اعتیاد به بی هویتی یک جزیره بی نام و نشان گسیل دهند؟ بازآموزی به کدام معنی است؟ به خاک سپردن هویت گذشته است یا بازآوردن آن هویت؟

اعتیاد در جامعه ما دامنه ای چنان گسترده یافته است که عوامل رژیم نیز نمی توانند چشم بر آن فرو بندند، خاصه آن که جبهه های جنگ بدان آلوده شده است. بسیاری از جوانان ما معصوم به جبهه برده می شوند و اگر گشته نشوند، معتاد برمی گردند. اما سه سئوالاتی را که باید در رژیم دربار جنگ، دیگر نمی توانند تکرار متظروا قعی آن را بیوشانند.

افزایش تعداد معتادان یک طرف و پایین آمدن سن اعتیاد یک طرف، آنچه در این رهگذر خود را کند ترا زهمیشه نشان داده است، تیغ حدوتعزیر است. رژیم اسلامی در آغاز کار برای مبارزه با مواد مخدر، شیخ صادق خلخالسی، تکخال خونت خود را به میدان فرستاد. اما خلخالسی در انباشتن جیب های خود مهارت و توانایی بسیار بیشتری نشان داد تا در مبارزه با مواد مخدر.

آیت الله خمینی که در زمان شاه گفته بود قاچاق مواد مخدر از لیبته کسار ناپسندی است، لکن مستوجب اعدام نیست، هنگامی که خودش قدرت را بدست گرفت، این فتوایش را مانع بدستگیری فتوای دیگر فراموش کرد.

چندر "اندرونی" بیت امام و چند مکان مستثنی شده دیگر، رژیم همه جا بسا خضوت با مسئله اعتیاد رویرو می شود. برای استی نیز شما رگسانی که به جرم خرید و فروش مواد مخدر، به وسیله رژیم تهران اعدام شده اند، به هیچ وجه با گذشته درخور مقایسه نیستند. هر چند که رژیم بعضا مخالفان سیاسی خود را نیز به همین جرم اعدام کرده است. ولی این خضوت عربان حاصلی که ما موران انتظارش را داشتند به بار نیاورده است.

مقام های شهربانی به درست می گویند که اگر یک چاره اجتماعی اندیشیده نشود، هیچ مبارزه اداری و قانونی نمی تواند کارساز باشد. ولی رژیم اسلامی کجا و حل اجتماع مسئله اعتیاد کجا؟ این رژیم کدام مسئله اجتماعی را توانسته است حل کند که بتوان از او انتظار حل مسئله اعتیاد را داشت؟

به عکس، همه اسباب اجتماع اعتیاد در این رژیم فراهم آمده است: کاهش ظرفیت دانشگاه ها، کمبود امکانات ورزشی، بیکاری، وحشت آلوده این ها از عواملی است که خاصه جوانان نومیید ما را به با تلاق اعتیاد می کشاند. اعتیاد به صورت وسیله ای برای فراموش کردن یا تحمل کردن واقعیت جمهوری اسلامی درآمده است.

در برابر واقعیت های تلخ محیط اجتماعی هر کس به گونه ای واکنش نشان می دهد. برخی از جوانان خود را به آب و آتش می زنند و مرزهای کشور را در می نوردند تا در دنیای ناشناخته خارج از کشور بخت خود را بیازمایند. برخی دیگر به مواد مخدر پناه می برند. فرار از واقعیت، جوهر اصلی و درونمایه این واکنش ها را می سازد.

این از خسران های جبران نکردنی است که باعث آن جز رژیم اسلامی نیست. خسارت های مالی و مادی را یک ملت با لئسبه آسان می تواند جبران کند. ولی جبران این سرما به بزرگ انسانی که بر باد می رود، به هیچ وجه آسان نیست.

خبرگزاری ها - ۷ اکتبر ۸۶

هشدار به اسد

به نوشته هفته نامه آفریقای جوان، ایادالمحمود، دیپلمات سوری که هفته گذشته به مدت ۴۸ ساعت در تهران ربوده شده بود، آنچنانکه مقام های جمهوری اسلامی سوری ادعا کردند، قربانی یک توطئه ای امپریالیسم و صهیونیسم نشده است.

محمود که در تهران وظایف یک کنسول را عهده دار است، از سوی گشت مرزبانی معروف ونهی از منکر توقیف شد، زیرا در حال مستی، یک دختر جوان الجزایری را که نه همسر و نه خواهرش بود، همراهی می کرد. این دختر الجزایری ملیحه الاحسن نام دارد که منشی سفارتخانه ای یک کشور عرب در تهران است. وی با محمود در طول یک میهمانی در سفارت ژاپن آشنا شد و با زداشت دیپلمات سوری هنگامی صورت گرفت که آن دو قصد پیاپی شدن از ژانوموبیل را داشتند.

آفریقای جوان می افزاید: مقام های رژیم اسلامی مدتی است که از رفتار برخی از دیپلمات های سوری، که بر بی مذهبی دولت خود اصرار دارند، ناراضی هستند. این دیپلمات ها در هیچ فرصتی از نوشیدن مشروبات الکلی فروگذار نمی کنند. آفریقای جوان در بیان می نویسد: با زداشت دیپلمات سوری به نظر نمی رسد که با موافقت مقامات اسلامی بوده باشد. قبلا" شایع شده بود با زداشت وی در واقع هشدار از سوی خمینی به حافظ اسد است تا موضع خود را در جنگ خلیج فارس، به نفع جمهوری اسلامی روشن کند.

درگذشت

یک هنرمند تا تر ایران

محمد علی جعفری کارگردان و بازیگر شناخته شده سینمای ایران روز ۲۸ سپتامبر در ۶۱ سالگی در تهران درگذشت. جعفری، فارغ التحصیل هنرستان تئاتر تهران بود و در تئاترهای فردوسی و سعدی در نمایشنامه های مختلفی بازی کرده است. چراغ گاز، ولین و مورفین از جمله نمایشنامه های بی بدگانه او است. کارگردانی و نقش آفرینی اش روی صحنه آمده است.

بعدها، جعفری در چند فیلم نیز بازی کرد و فیلم های الکلی و مورفین را کارگردانی کرده بود. روز شنبه ۴ اکتبر مراسم یادبود و بزرگداشت این هنرمند ایرانی در خانقاه صفی علیشاه برگزار شد که گروه کثیری از نویسندگان و شاعران و هنرمندان در مراسم شرکت جستند.

در پاریس، روز جمعه دهم اکتبر مراسم یادبود از سوی خانواده جعفری برگزار شد که گروهی از ایرانیان مقیم پاریس در این مراسم حضور یافتند.



شورای امنیت سازمان ملل و جنگ ایران و عراق

خواستار شده است قطعنامه های قبلی سازمان ملل، مبنی بر قطع جنگ و آغاز مذاکرات را رعایت کنند و از دبیرکل سازمان خواسته شده است به تلاش های خود برای خاتمه دادن به جنگ بیفزاید.

بر اساس این قطعنامه، پس از بازگشت "دیه گوردووز" از ماه موریت خود، شورای امنیت برای بررسی نتایج سفر وی با ردیگر تشکیل جلسه خواهد داد.

خبرگزاری فرانسه می افزاید: جمع آوری ۶۰۰ هزار تا یک میلیون سربا ز در طول جبهه های جنگ از سوی جمهوری اسلامی و تهدیدهای سران رژیم تهران، کشورهای عرب خلیج فارس را به شدت نگران ساخته است و به همین جهت خواستار تشکیل فوری جلسه شورای امنیت شدند.

در این حال نماینده آمریکا دیروز در شورای امنیت با ردیگر تا کید کرد که گسترش دامنه جنگ به کشورهای دیگر "تهدیدی بزرگ" علیه منافع آمریکا تلقی خواهد شد.

سهرزقبیل، سعید راجائی خراسانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، با ردیگر اعلام کرده بود که جنگ تا سقوط رژیم عراق یا تنبیه متجاوز و برقراری عدالت ادامه خواهد داشت. علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته از کشورهای عرب خلیج فارس خواست دست از حمایت خود از عراق بردارند و با جمهوری اسلامی یک بییمان دفاعی امضاء کنند. وی این کشورها را تهدید کرد که چنانچه تسلیم پیشنهادها ی جمهوری اسلامی نشوند، "منافع ملی خود را به خطر خواهند انداخت."

خبرگزاری فرانسه - ۹ اکتبر ۸۶

به گزارش خبرنگاری فرانسه، ماه آینده یک مقام بلند پایه سازمان ملل متحد برای میانجی گیری میان جمهوری اسلامی و عراق عازم دو کشور می شود.

منابع مطلع در سازمان ملل متحد دیروز گفتند "دیه گوردووز" معاون دبیر کل سازمان ملل متحد، در تلاش جدیدی برای خاتمه دادن به جنگ هفت ساله جمهوری اسلامی و عراق وسی در اواداشتن جمهوری اسلامی به پذیرش مذاکرات ماه آینده عازم تهران و بغداد خواهد شد.

به گفته همین منابع، جمهوری اسلامی و عراق هر دو ام موریت میانجی گیری سازمان ملل را پذیرفته اند.

به گزارش خبرنگاری فرانسه از نیویورک شورای امنیت سازمان ملل عصر روز ۸ اکتبر به اتفاق آراء از دبیرکل

سازمان ملل خواست به تلاش های خود برای برقراری آتش بس میان جمهوری اسلامی و عراق بیفزاید. اعزام "دیه گوردووز" به ایران و عراق در چارچوب این تلاش ها و همچنین قطعنامه ای قرار دارد که عصر روز ۸ اکتبر به تصویب ۱۵ عضو شورای امنیت رسید و به ۴ روز میباحثات شورا پایان داد. در جلسات شورای امنیت که به تقاضای ۷ کشور عرب برای رسیدگی به جنگ جمهوری اسلامی و عراق تشکیل شد، علاوه بر عراق و کشورهای عرب خلیج فارس، حدود سی کشور دیگر و همچنین عضو دائمی شورای امنیت به بحث و گفتگو پرداختند و همگی بدون استثناء نگرانی خود را از ادامه این جنگ که یکی از پرکشترترین جنگ های نیمه دوم قرن بیستم است، اعلام کردند.

در این قطعنامه با ردیگر از طرفین

انحلال

يك سازمان در دسر آفرین

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، یکی از سازمان‌هایی که در اوایل انقلاب اسلامی، از تجمع چندگروه افراطی تشکیل شده بود منحل گردید.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران در شماره روز دوشنبه ۶ اکتبر نوشت حجت الاسلام حسین راستی کاشانی، نماینده روح‌الله خمینی در این سازمان، دیروز استعفای خود را تسلیم خمینی کرد و موافقت وی را برای منحل کردن سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به این عنوان که اعضای آن عازم جبهه هستند، بدست آورد.

سازمان مذکور، در اوایل انقلاب اسلامی از اجتماع هفت گروه که تخصص اصلی آنها عملیات خشن خیابانی بود تشکیل شد. بسیاری از اعضا، اولیه آن را بنیاد گزاران سپاه پاسداران چون «ابوشریف» تشکیل می دادند. بهژاد نبوی، وزیر فعلی صنایع سنگین، چندی قبل به علت فشاری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر لزوم دولتی شدن اقتصاد، از این سازمان کناره گرفت.

به گزارش خبرنگاری فرانسه، در بهمن ماه گذشته، بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در ارتباط با انفجار نخست وزیری در سال ۱۳۶۰ که منجر به قتل محمدعلی رجایی و محمد جواد باهنر گردید دستگیر شدند و گروهی از آن‌ها چندی بعد با وساطت خمینی آزاد گردیدند.

بقیه از صفحه ۱

غرب و تروریسم ایت‌الله

می‌گیرد» ما مبرده در مورد صدور اسلحه از انگلیس به موتورونجیرتا تک‌های «جیفتن» اشاره کرد و گفت: گرچه این وسائل به صورت ظاهر آلت قتاله نیست ولی آیا واقعا " اینطور است؟

آقای تمیل موریس در پایان اظهار داشته: جای خوشوقتی است که صدای ایران در این وضع ناگوار مملکت از طرف نهضت مقاومت ملی ایران در خارج شنیده می‌شود. ما نظریات نهضت را ارج می‌نهیم و برای رهبر و اعضای آن آرزوی موفقیت می‌نمائیم.

نماینده دیگری مراحل تروریسم را در جمهوری اسلامی تحلیل نمود و گفت این رژیم در ابتدا با تروریسم سرکار آمد و سپس با ادا مه تروریسم و سلطه بر ایران بکار خود ادامه داد و در مرحله سوم به صدور تروریسم به کشورهای دیگر پرداخت.

سپس نماینده هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران، ناخدا انگلستان، در باره کارنامه هفت ساله رژیم خمینی از لحاظ نقض فاحش حقوق بشر در ایران و اقدامات آن رژیم در جهت شرکت در تروریسم بین‌المللی گزارشی مستندی عرضه کرد و گفت:

"انتظار ما از کشورهای غربی بخصوص انگلستان تنها هم پیشتیبانی معنوی از نظریات نهضت است. ما از کشورهای غربی انتظار داریم فروش اسلحه به ایران و عراق را جدا جلگیری نمایند.

از دولت انگلستان خواستاریم که دفتر شرکت ملی نفت ایران در شماره ۴ ویکتوریا استریت را که در شش سال اخیر در حدود چهار میلیون دلار اسلحه از کشورهای مختلف خریداری و به ایران ارسال کرده است تعطیل نمایند.

انتظار نهضت مقاومت ملی ایران از کشورهای دموکراسی غربی و بخصوص انگلستان اینست که توجه داشته باشند وضع ناگوار ایران روزی پایان خواهد یافت زیرا ایران در دوران تاریخی پرچم خوددینتظاری این قبیل اوضاع دلخراش بسیار دیده است و این بار نیز عاقبت نیروهای ملی و وطن پرست ایران در تلاش خود جهت استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک و توفیق خواهند یافت.

امید داریم کشورهای غربی در سیاست فعلی خود در قبال ایران با توجه به منافع ملی خودشان جانب واقع بینی را رعایت نمایند.

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -

شش ماهه ۱۲۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

ایشان ب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

مایلیم نشریه «فصلنامه ایران» را به مدت یک سال () به مبلغ ... فرانك اشتراك به حساب بستی نشریه () حواله شد.

تجربید به ضمیمه ارسال می‌گردد.

تاریخ: امضا

شماره حساب بستی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

توجه لازم

تعداد اردتفا ماهی اشتراك را به آدرس «فصلنامه ایران» ارسال فرمائید. نام ماهی که به آدرس حساب بستی یا بانکی فرستاده شود، بدین نام می‌رسد.

نشانی پستی شاخه‌های

نهضت مقاومت ملی ایران

در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R. Postfach 121007 8000 MUNCHEN 12 W. Germany

N.A.M.I.R. Postfach 523 1171 WIEN AUSTRIA

PO BOX 52278 WASHINGTON, D.C. 20037 U.S.A

N.A.M.I.R. PO BOX 313 LONDON W 2-4 QX ENGLAND

PO BOX 130 H600 TULLINGE SWEDEN

FDS - MOSS 117/118 MAKER CHAMBER (V) NARIMAN POINT BOMBAY 400021 INDIA

NEHZAT P.B. 246 J230 AE BRIELLE HOLLAND

A CH APARTADO CORREOS 50432 MADRID SPAEN

NAMIR PB-1002 STN B. WILLODALE ONT M2K 2T6 CANADA

A.R CASELLA POSTALE 601 00187 ROMA ITALIA

وسیله ما موران انتظامی ولی بدون اشاره به فرمان عزل دکتر محمد منتشر کرد. همان وقت عده‌ای از جمله سرلشکر با تمام نقل و حرکت بیرون به عنوان شرکت در توطئه توقیف شدند و فرماندار نظامی اعلام کرد که هر کس اطلاعاتی دهد که منجر به دستگیری سرلشکر شود ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال جایزه دریافت خواهد کرد. همان هنگام جمعی هواخواهان حزب توده با شعارهای فداصلطنت در خیابان‌ها شروع به تظاهرات کردند کتاب "بایان امپراتوری" که موضوع فیلم موسوم به همین نام را شرح می‌دهد می‌گوید (۷):

بنابراین گفته ریچارد تم (نویسنده کتاب ناسیونالیسم در ایران) که اینک برای سیا کار می‌کرد برادران رشیدیان از این فرصت استفاده کردند و جمعی مردم را که در اختیار داشتند به خیابان‌ها فرستادند که با تظاهرات به توده‌ای بودن... مساجد و روحانیون راستگاران کنند. منظورشان این بود که اکثر مردم ایران را بترباندن با و رکنندگی بیروزی مدق بیروزی توده و شوروی وی دینی خواهد بود.

در این وضع بدیهی است که حالت یاسی که روز ولست می‌ترسید به او و همکارانش دست دهد تحقق یافت. و در این وضع بدیهی است که حالت یاسی که روز ولست دست رفته است. شاه روز ۱۶ اوت با ملکه، شریکا و معدودی درباریان فرار کرد. آن‌ها کمی در بغداد توقف کردند و بعد به رم رفتند. در هر دو پایتخت سفرای ایران از استقبال آن‌ها خودداری کردند. در تهران قیوای پلیس به جستجوی زاهدی که سفارت آمریکا او را مخفی کرده بود پرداختند. جایزه مهمی برای دستگیری او وعده داده شد... سرمقاله روزنامه تا می‌زنند شما ره ۱۷ اوت ما بیوسانه نوشت با پیدا ایران چشم پوشید.

من آن وقت در توکیو بودم و اخباری که می‌رسید هر چند مختصر بود ولی مرا بی نهایت افسرده کرد. در سفارت مان شنیدم که چرچیل از شنیدن این خبرگوئی منفجر شد.

- ۱ - K. Roosevelt: Countercoup. 1979
- ۲ - کلیات این روایت با مقاله‌ای که به شکل سریال در مجله اطلاعات ماهانه سال ۱۳۳۶ منتشر شد تطبیق می‌کند.
- ۳ - Countercoup 170
- ۴ - Countercoup 179
- ۵ - Woudhouse 128
- ۶ - Countercoup 175
- ۷ - End of Empire 220
- ۸ - Woodhouse 128

بقیه از صفحه ۹

مصلح

و نهضت ملی ایران در گشایش چپ و راست

به او تلفن کردم که شما چه خبر دارید معلوم شد که بعد از آمدن سر تیب ریاحی گارد شاهنشاهی کودتای را که در نظر داشتند شروع کرده است. روز ۲۵ مرداد دولت اعلامیه‌ای در خصوص رویداد دشب قبل به شرح زیر صادر نمود:

"از ساعت ۱۱ ونیم دبیب یک کودتای نظامی به وسیله افسران گارد شاهنشاهی به مرحله اجرا گذاشته شد. بدین ترتیب که ابتدا در ساعت مزبور نفرات نظامی مسلح به سمت تیرو اسلحه دستی وزیر امور خارجه (دکتر فاطمی) و وزیر راه (حق شناس) و مهندس زیرک زاده را در شمیران توقیف کردند و برای توقیف رئیس ستاد ارتش نیز به منزلشان مراجعه نمودند ولی چون تیمسار ریاحی در ستاد ارتش مشغول کار بودند به دستگیری ایشان موفق نشدند.

در ساعت ۱ بعد از نصف شب نیز سرهنگ نصیری رئیس گارد شاهنشاهی با چهار کامیون نظامی مسلح و دو جیب ارتش و یک زره پوش به منزل آقای نخست وزیر آمده به عنوان آنکه می‌خواهد نامهای به عهد قضا شغال خانسه را داشته است ولی چون محافظین منزل نخست وزیر در مراقب کار خود بودند بلافاصله سرهنگ مزبور را توقیف کردند.

توطئه کنندگان... معاون ستاد ارتش (کیانی) را که برای سرکشی به باغشاه رفته بود در همانجا توقیف نمودند و وزیر خارجه و وزیر راه و مهندس زیرک زاده را از توقیف گاه سعدآباد به وسیله چهار کامیون نظامی مسلح به شهر آورده به ستاد ارتش به تصور اینکه همکاران آنها "قیلا" آنجا را اشغال کرده اند بردند. ولی چون در آنجا وضع را مساعد ندیدند آنان را مجدداً "به سعدآباد برده و در توقیف گاه گارد شاهنشاهی تا ساعت ۵ صبح نگاه داشتند. در این ساعت که نقشه کودتا بلا نرسیده بود معاون ستاد ارتش که از توقیف باغشاه رها می‌یافت به سعدآباد رفته آقایان را بمنزلشان برگرداندند اما مورین انتظامی از این ساعت اینکار عملیات را بدست گرفته و جندتن از توطئه کنندگان دستگیر کردند. اینک به شرح اتفاقات بعد از نیم شب ۲۴ مصادف می‌پردازیم. اولین تصمیمی که مجریان طرح کودتا پس از رسیدن خبر شکست گرفتند تهیه تعداد زیادی فتوکپی فرمان انتصاب سرلشکرزاده هدی بود. این کار

متهم شماره یک

مطبوعات فرانسه بیش از پیش جمهوری اسلامی را مسئول سوء قصد های خونبار با ریس معرفی می کنند. هفته نامه "اومان" دوژودی "در شماره تازه" خود از قول یکی از مسئولان بلنسد با به سازمان آزادی بخش فلسطین نوشت: بمب گذاری های پارسیس کار جمهوری اسلامی است. هفته نامه "اومان" که به مناسبت سفر ابویاز، مسئول امور امنیتی سازمان آزادی بخش فلسطین به پارسیس، چند گزارش مفصل دربار "مسائل فلسطینی ها" و خاورمیانه و تروریسم چاپ کرده است، می نویسد: یکی از اعضاء بلندیا به "سازمان آزادی بخش فلسطین که ترجیح می داد شناختن بیمانند به ما گفت: من در سفر رسمی به پارسیس در نتیجه آنچرا ابویاز نتوانست بشمارا بگوید، من می توانم بگویم. وی سپس جمهوری اسلامی را مسئول سوء قصد های پارسیس دانست و گفت: از آنجا که سوریه انواع گروه های تروریستی لبنان را زیر پوش خود گرفته است فوراً "مسئور سوء ظن قرار می گیرد، اما نگاه ها باید متوجه سازمان های امنیتی جمهوری اسلامی باشد که از طریق حزب الله، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای را تحت دست قرار داده است. البته سوریه هم مخالفی با این عملیات ندارد. مسئول بلنسد پایتخت فلسطینی افزود: انگیزه های جمهوری اسلامی روشن است. اخراج نیروهای مخالف خمینی از فرانسه، بازگشت دودا نشجوی عراقی به فرانسه، که این دودرخواست تا حدودی بسر آورده شد. اما آزادی انیس نقاش، بازپرداخت وام یک میلیون دلاری و قطع فروش اسلحه به عراق هنوز انجام نگرفته است. اما هم کمک فرانسه به عراق بیشتر از همه جمهوری اسلامی را خشمگین می سازد و عملیات تروریستی زمین جا ریته می گیرد. حضور فرانسه در لبنان را نیز باید به عنوان تاراجی کنشده جمهوری اسلامی افزود. مسئول سازمان آزادی بخش فلسطین اضافه کرد: ما این که چرا انیس نقاش در زندان، اعلام کرد که به کلی از این ماجرا دور است و با کمیته همبستگی آشنائی ندارد و مخالف عملیات تروریستی است، دلیل روشنی دارد. وی میباید که در صورت خروج از زندان، سرگ در انتظار است و دوستانش او را خواهند گشت، زیرا هیچ گاه اعترافات او را پس از بازداشت شدنش نخواهند بخشید.

الفتح، متهم می کند

ابویاز، مسئول امور اطلاعاتی سازمان آزادی بخش فلسطین که هفته گذشته به پارسیس سفر کرد، در مصاحبه ای با هفته نامه "اومان" جمهوری اسلامی را عامل بمب گذاری های پارسیس دانست. وی در پاسخ به خبرنگار "اومان" که نظر وی را در باره دخالت برادران عبدالله در این ماجرا پرسید، گفت: آنچه در پارسیس اتفاق افتاد نمی تواند یکسار فردی باشد، بلکه کار یک دولت است. فراموش نباید کرد که برادران عبدالله را اهمیت زیادی در دودرخواست دادیم و دلیل آن را نمی فهمیم. نباید فراموش کرد که کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای، خواستار آزادی انیس نقاش، نیز شده است. ابویاز در پاسخ به این که چه کسی خواهان آزادی انیس نقاش است، گفت: یک جنبش وابسته به جمهوری اسلامی. ابویاز در این مصاحبه همچنین فاش کرد که سازمان وی هر روز اطلاعات خود را در اختیار مقامات اطلاعاتی فرانسه قرار می دهد. وی آن ها همکاران تنگاتنگ دارد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا شما جمهوری اسلامی را متهم می کنید گفت: دولت فرانسه در این ماجرا اسمی از دولتی نبرده است و دلیلی ندارد که من این کار را انجام دهم. اما دولت فرانسه بخوبی عامل این سوء قصد ها را می شناسد. اما اطلاعات ما را به طور

درخت اعدام!

بقیه از صفحه ۱

ما درم نقل می کرد که وقتی پدرم به خانه بازگشت رنگ بر چهره نداشت. حالت قیافه اش بکلی عوض شده بود. بی آنکه کلمه ای حرف بزند خودش را به اتاق خواب رسانید و روی تخت دراز کشید. پس از آن، ناگهان شروع کرد به لرزیدن. آنچه در آن صبحگاه پدرم دیده بودم مثل کابوس هولناکی برای مدت ها اعصابش را بهم ریخت و بر اعماق روحش اثر گذاشت. او دیگر به کودکانی که در کنار پدرم در شان سلاخی شده بودند فکرمی کرد. تصویری که از مراسم اعدام در ذهنش نقش بسته بود قدرت فکر کردن به هر چیزی دیگری را از او سلب می کرد و هر چه می گوید نمی توانست این تصویر هولناک را از ذهنش بیرون کند...

نویسنده ای به توانائی آلبرکا مو لازم است تا بتواند درباره مراسم اعدام سه ایرانی که در روز روشن و جلوی چشم جمعیتی انبوه در شهر قم انجام گرفت قلمفرسایی کند. این سه تن را دستگاه قضائی حکومت آخوندها عاملان بمب گذاری و انفجار روز عید قربان در شهر قم معرفی کرده است و قبلاً قرار بود آن هارا با تشریفات هیجان انگیزتری اعدام کنند یعنی ابتدا بعنوان قصابی چشمهایشان را از حلقه بیرون بکشند، گوش و زبان شان را ببرند، دست و پایشان را قطع کنند و بعد، دارشان بزنند. ولی در آخرین ساعات تغییر رای دادند و به همین اکتفا کردند که روی پلی در سه راه موزه آنان را از تیر چراغ برق بیاویزند. این ابتکار هم بخاطر آن بود که جمعیت بیشتری در فضای وسیع طرفین پهنل بتوانند نمایش مرگ را تماشا کنند.

نمی خواهیم وارد این بحث شویم که مجازات اعدام بطور کلی مفید است و ضرورت دارد یا به قول اشخاصی مثل آلبرکا مو، نفس اعدام جنایتی مجدد محسوب می شود. این بحث را در شرایط امروزی ایران مطرح کردن مثل آنست که انسان برای گرسنه های "بیافرا"

مرتب در اختیار فرانسه قرار می دهیم این دیگر نیست به سیاست دولت فرانسه است که افکار عمومی را در جریان قرار دهد. خبرگزاری فرانسه - ۱۰ اکتبر ۸۶

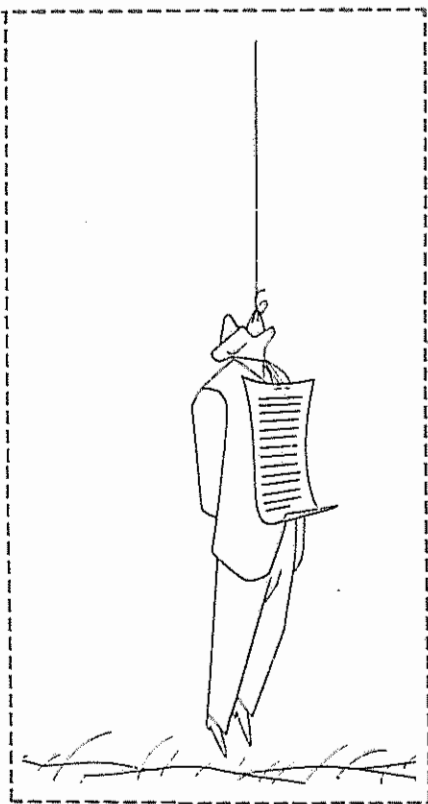
روش های ویژه

حامیان تروریسم

شیمون پروز نخست وزیر سابق اسرائیل در سفر اخیرش به پارسیس به رژیم لبیبی، سوریه و جمهوری اسلامی را مسئول های اصلی تروریسم بین المللی دانست. وی در یک گفتگوی اختصاصی با روزنامه ی فیکارو گفت:

نشانی:

QYAM IRAN
C/O C.B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE



از مضافات غذایی چرب و شیرین صحبت کند. در ایران امروز، از درود بیوارخون می بارد و جان آدمیزاد بی بهاترین است. مگر انسان عقلش را از دست داده باشد که در همچو احوالی از لزوم یا عدم لزوم مجازات اعدام حرف بزند. اگر حرفی هست بر سر اینست که چگونه حکومت مدعی مسلمانان، برای زهر چشم گرفتن از مردم متوسل به روش هایی می شود که قبایل جنگلی هم در عصر حاضر از شنیدنش احساس شرم و اشمناز می کنند. بازداشت سنفری که با آن وضع فجیع اعدام شدند، کمتر از یک هفته بعد از انفجار رقم صورت گرفت. به عیسارت دقیق تر، جزشتا سایی و بازداشت، سه نفر به عنوان عاملان بمب گذاری، فقط چهار روز بعد از حادثه انفجار اعلام شد. هر آدم کودکی، حتی در سطح زنجیر زن های حزب اللهی می تواند بفهمد که شناختن و پیدا کردن و گرفتن عاملان بمب گذاری بدین سرعت و بدین صورت دروغی بیش نیست. به ویژه وقتی می بیند در حکم ما دره، آن ها را عامل بمب گذاری های متعدد در نقاط مختلف شهر تهران از سال ۱۳۵۸ به این طرف معرفی کرده اند.

مسئله اینست که ما فقط با تعدادی گروه تروریستی طرف نیستیم. زیرا کشورهای بی هستند که از تروریست ها حمایت مالی می کنند، به آن ها پناه می دهند و برای طریقه های مختلف تروریسم، امکانات فعالیت فراهم می آورند.

خبرنگار فیکارو زاپرز سؤال کرد: آیا شما هم مثل دادستان دادگاه لندن رژیم سوریه را یکی از این کشورها می شناسید؟ شیمون پروز جواب داد: بنظر من، سه رژیم لبیبی، سوریه و جمهوری اسلامی، به روشنی مسئولان تروریسم بین المللی هستند.

شیمون پروز اضافه کرد: هر یک از این رژیم ها، با روش های مختلف، این کار را انجام می دهند. مثلاً اقدام های

شهر را عملاً به یک دژ نظامی تبدیل کرده است، ضربه سختی بر پیکر رژیم محسوب می شد. لابد این حادثه خشم مقام رهبری را نسبت به مسئولان امور امنیتی برانگیخته و او را مرطع مبارک مادر شده است که باید سه روز مرتکبین بیدار شوند. آن ها هم سه نفر را که دم دست داشته اند به عنوان عامل انفجار قم، بلکه عامل انفجارهای چند ساله تهران معرفی کردند و در محاکمات چنانی، برق آسا حکم اعدامشان را نوشتند و محض ایجاد ارباب، جلوی چشم هزاران نفر در وسط شهر بیدارشان آویختند.

رژیمی که با زور بر چهل میلیون مردم ناراضی و خشمگین حکومت می کند از توسل به خشونت و ارباب گیری ندارد ولی یک نکته را این رژیم، ما شنید همه حکومت های استبدادی نمی تواند بفهمد که از شقاوت، شقاوت میزاید. هر چه مردم، بخصوص جوان ها نوجوانان بیشتر در معرض شقاوت قرار بگیرند و نمایش های شقاوت آمیز مشاهده کنند، به همان اندازه روح شقاوت در آن ها تقویت می شود و جا معی که تب شقاوت بر جان بیفتد هیچ گاه روی امنیت بخود نمی بیند.

جنگ ویتنام تمام شد. دهها هزار جوان امریکائی هم که در جریان این جنگ بخاک هلاکت افتادند تقریباً "فراموش شدند" ولی آمریکا با امریکائی های که از ویتنام بازگشته اند در سر راهی تمام نشدنی دارد. کثیری از جوان های امریکائی که به ویتنام رفته بودند تعادل روحی و معنوی خود را از دست داده اند. بسیاری از آن ها برای آنکه خودشان و رنج هایشان را تسکین دهند به مواد مخدر روی آورده اند و گروهی دیگر به موجوداتی خشن، عاصی، بی رحم، بی احساس، تجا و زطلت تبدیل شده اند که به انواع کارهای غیر انسانی و بی آلوده اند. خدا می داند وقتی اوضاع کنونی در ایران پایان بگیرد تکلیف جامعه با کسانی که درین دوران سیاه، تعادل روانی و عاطفی و اخلاقی خود را از دست داده اند و به جای همدانگی فوت و فن استفاده از سلاح های مختلف و ساختن بمب و نارنجک و شرکت در عملیات کماندویی و تهاجمی را آموخته اند چه خواهد بود.

تروریستی جمهوری اسلامی در لبنان، از طریق گروه حزب الله انجام می گیرد. لبیبی، به اقدام های تروریستی کمک مالی می رساند، و سوریه از همه محتاط تر عمل می کند. بهرحال، هر یک روش خاص خود را دارند.

تلفن خبری

نهیست مقاومت ملی ایران - کانادا
شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

ایران هرگز نخواهد مرد